

[illegible]

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی!



در باره شرایط کنونی و وظایف نیروهای انقلابی!



- ۵ • درباره چرایی عدم شرکت در تظاهرات ۲۲ اکتبر در برلین
- ۵ • برای خدانور!
- ۶ • سخنی با کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی ایران!
- ۹ • پیرامون سیاست آلترناتیو سازی امپریالیستها در جنبش جاری! ۹
- ۱۲ • ملاحظاتی در باره جنبش توده ها!
- ۱۶ • سخنی با نیروهای مبارز در خارج از کشور!
- گزارش آکسیونهای فعالین سازمان در آلمان، انگلستان، سوئد،

اتریش در صفحات ۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰

حتی ایجاد
تشکل های
صنعی مستقل
هم برای کارگران
وجود ندارد.
واقعیت این است
که دیکتاتوری
لازمه ی وجود
سیستم سرمایه
داری وابسته در
ایران است و این
دو در هم تنیده
اند. بنابراین تا
زمانی که این
سیستم بر
جامعه حاکم
است، دیکتاتوری
نیز وجود خواهد
داشت و کارگران
همچنان از آزادی
تشکل و امکان
متشکل کردن
خود محروم
خواهند بود.



اشرف دهقانی

درباره شرایط کنونی و وظایف نیروهای انقلابی!

ضمن درود به شما
کارگران آگاه و
روشنفکران
انقلابی، در پاسخ
به وظیفه ای که
برای در میان
گذاشتن دانسته
ها و تجربیاتم با
شما به عهده خود
می بینم بخش
دیگر از سخنانم را
در اینجا مطرح می
کنم. این بخش
مربوط به ضرورت
ایجاد تشکل های
سیاسی- نظامی
است. این
ضرورتی است که
پاسخگویی به آن
به عنوان یک
وظیفه انقلابی بر
عهده کارگران آگاه
و روشنفکران
انقلابی قرار دارد.

تا محو کامل شرایط استثمار، در میدان
مبارزه باقی خواهد ماند.

از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی
همگان شاهد بوده اند که مبارزات کارگران
علیرغم غیر متشکل بودن آنها، تأثیر به
سزائی در جامعه به جا می گذارد. کارگران
ما که تحت استثمار وحشیانه قرار دارند در
طول عمر این رژیم با وجود دیکتاتوری عنان
گسیخته حاکم و شرایط شدیداً مختنق،
همواره در صحنه مبارزه علیه سرمایه داران
و رژیم جمهوری اسلامی بوده اند و با
مبارزات خود به جریان سیال مبارزه
سیاسی در جامعه کمک شایانی کرده اند.
همچنین، هر جا کارگران امکان برپائی
تظاهرات و تجمعات وسیع کارگری را پیدا
کرده اند- به همانگونه که در سال ۹۶ و ۹۷
به خصوص در رابطه با مبارزات پر شور
کارگران هفت تپه، فولاد اهواز و کارگران
اراک شاهد بودیم- کل جامعه را تحت تأثیر
مبارزات خود قرار داده اند.

از ورای مبارزات کارگران ایران و به خصوص
از سخنرانی های صورت گرفته توسط آنان
می توان دریافت که کارگران ما سرمایه
داران و رژیم حاکم (مدافع سرمایه داران) را
به عنوان دشمنان اصلی خود کاملاً می
شناسند و به قدرت و موقعیت طبقاتی
خودشان نیز تا حدی آگاهند. در همان حال
آنان کاملاً به این حقیقت دست یافته اند
که حکومت سرمایه داران را جز با توسل به
مبارزه مسلحانه نمی توان از بین برد. در
ضمن کارگران ایران چندین سال برای ایجاد
تشکل صنفی خودشان دست به مبارزه
زدند و در این راه متحمل زندان و شکنجه
شدند. این امر در حالی که بیانگر آگاهی
کارگران ما به ضرورت تشکل یابی است،
تجربه گران بهائی را نیز در اختیار آنها
گذاشت و نشان داد که تا زمانی که
دیکتاتوری بر جامعه حاکم است امکان

برای این که موضوع را ریشه ای بررسی
کنیم اجازه دهید سخنم را با رجوع به
ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران
شروع کنم. بر کسی پوشیده نیست
که سیستم اقتصادی- اجتماعی
حاکم بر ایران سیستم سرمایه داری
است (سرمایه داری از نوع وابسته
که جهت حرکت آن را سیستم جهانی
امپریالیستی تعیین می کند). این
سیستم که در اوایل دهه ۴۰ بر
جامعه ایران مسلط شد، امروز رشد و
وسعت زیادی یافته و از دهات دور
دست گرفته تا شهرهای کوچک و
بزرگ در همه جا گسترش پیدا کرده
است. در همان حال، پا به پای این
سیستم، طبقه کارگر نیز به طور
چشمگیر رشد کرده است تا آنجا که
امروز کارگران همراه با افشار
فرو دست، اکثریت مطلق جامعه را
تشکیل می دهند. اما جدا از کمیت که
در جای خود از اهمیت برخوردار
است، طبقه کارگر دارای آنچنان
نقشی در تولید اجتماعی می باشد
که آن را از طبقات دیگر متمایز می
کند. در سیستم سرمایه داری از یک طرف
هستی سرمایه داران در گرو استثمار
کارگران است و از طرف دیگر رهائی
کارگران از قید استثمار و دست یابی به
یک زندگی انسانی به پایان دادن به آن
هستی وابسته است. بنابراین طبقه کارگر
که خود مولود سیستم سرمایه داری
است، از چنان موقعیت و شرایط مادی ای
برخوردار است که آن را به دشمن اصلی
سرمایه داران و سیستم سرمایه داری
شان تبدیل کرده است. این واقعیت،
رسالت نابودی سیستم سرمایه داری را بر
عهده طبقه کارگر قرار داده و بر پیشانی
این طبقه مهر انقلابی ترین طبقه را حک
نموده است، طبقه ای که تا به آخر یعنی

کارگران نیازمند برخورداری از آگاهی
سوسیالیستی هستند، یعنی آگاهی ای
که به آنها قدرت مبارزه برای نفی استثمار
و نابودی سیستم سرمایه داری را می
دهد. کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی با
مجهز کردن خود به مارکسیسم- لنینیسم
از طریق مطالعه آثار مارکس، انگلس، لنین
و دیگر اندیشمندان طبقه کارگر می توانند
به درس ها و تجارب گران بهائی از جنبش
کارگری و کمونیستی جهان دست یابند.
باید از آن آموزش ها برای بردن آگاهی
سوسیالیستی به میان کارگران و البته با
توجه به شرایط مشخص جامعه ایران به
بهترین وجه استفاده نمود.

**نیاز دیگر کارگران شدیداً تحت استثمار
و ستم ایران متشکل شدن نه فقط در
ارگان های صنفی بلکه در عالی ترین
تشکیلات سیاسی خود یعنی حزب
طبقه کارگر است. وجود چنین**

شدید مخفی کاری، با همفکران خود گروه های کوچک سیاسی- نظامی تشکیل دهند و از هر طریق ممکن خود را مسلح کنند. بعد، تحت یک برنامه حساب شده دست به اقداماتی بزنند که منجر به ایجاد یک جتر حمایتی از جنبش انقلابی جاری بشود. در این زمینه یکی از کارهای مؤثر مجازات نیروهای سرکوبگر است. لازم است عناصر سرکوبگر چه یونیفرم پوش و چه لباس شخصی، شناسائی شوند تا در فرصت مناسب بتوان آنها را به سزای اعمال خود رساند. این کار باعث ایجاد ترس و وحشت در میان نیروهای سرکوب شده و در خدمت وسعت یابی هر چه بیشتر جنبش قرار خواهد گرفت. لازم است که گروه های سیاسی- نظامی در مورد عملیات مسلحانه خود اعلامیه صادر کنند و ضمن اعلام پشتیبانی از جنبش انقلابی هدف عملیات خود را توضیح دهند.

در شرایط کنونی دشمنان توده های تحت ستم ما (امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته ایران) شدیداً در تلاشند با محوری کردن شعار "زن، زندگی، آزادی" که توسط جریان پ.ک.ک تنظیم و از سالها پیش در میان مردم تحت ستم گرد اشاعه یافته است، انقلاب مردم ایران را انقلاب زنانه و آن هم برای خواست های ابتدائی آنان (و نه رفع کامل ستم بر زنان) جلوه دهند تا بتوانند این انقلاب را نیز همانند انقلاب سال ۵۷ به مسیر دلخواه خود منحرف سازند. گروه سیاسی- نظامی شما باید در اعلامیه های توضیحی خود در مورد این خطر به مردم هشدار دهد و نگذارد که دست های ناپاک بر هدف های واقعی این انقلاب سرپوش نهد. هدف واقعی توده تحت ستم ایران از دست زدن به انقلاب، همانا ایجاد جامعه ای است که این توده از رفاه و آزادی های گسترده برخوردار شوند. چنین شرایطی تنها با قطع هر گونه نفوذ امپریالیستها در ایران فراهم می گردد. پس شعار "کار، نان، مسکن، آزادی و استقلال" را به هر وسیله ای- از دیوار نویسی گرفته تا شکل های دیگری که امکانات تان اجازه می دهد- به میان مردم ببرید و سعی کنید این شعار که منعکس کننده خواست همه ستمدیدگان ایران از کارگران گرفته تا معلمین و کشاورزان و زنان تحت ستم ایران می باشد با توجه به حقانیت خود به شعار محوری تبدیل شود. با توجه به ستم مضاعفی که زنان ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی متحمل شده و می شوند، گروه های سیاسی - نظامی انقلابی باید به طور قاطع به دفاع از همه مطالبات زنان از آزادی پوشش گرفته تا رفع همه نوع ستم علیه آنها پرداخته و از تأمین برابری زنان در تمام زمینه ها با مردان دفاع نمایند.

به نظر من در حال حاضر کارگران آگاه و روشنفکران مبارز باید به خصوص با استفاده از شرایط انقلابی کنونی با رعایت شدید مخفی کاری، با همفکران خود گروه های کوچک سیاسی- نظامی تشکیل دهند و از هر طریق ممکن خود را مسلح کنند. بعد، تحت یک برنامه حساب شده دست به اقداماتی بزنند که منجر به ایجاد یک جتر حمایتی از جنبش انقلابی جاری بشود. در این زمینه یکی از کارهای مؤثر مجازات نیروهای سرکوبگر است. لازم است عناصر سرکوبگر چه یونیفرم پوش و چه لباس شخصی، شناسائی شوند تا در فرصت مناسب بتوان آنها را به سزای اعمال خود رساند. این کار باعث ایجاد ترس و وحشت در میان نیروهای سرکوب شده و در خدمت وسعت یابی هر چه بیشتر جنبش قرار خواهد گرفت.

مبارزه با نیروی نظامی پشتیبان و تکیه گاه دیکتاتوری را در دستور کار خود قرار دهند. ضرورت تشکیل گروه های سیاسی- نظامی و توسل به مبارزه مسلحانه، بر چنین واقعیت غیر قابل انکاری استوار است.

اما تا اینجا از جنبه استراتژیکی و اهداف نهائی مبارزه با شما به مثابه نیروی سیاسی پیشرو جامعه سخن گفتم. اکنون به این امر بپردازیم که در شرایط کنونی چه وظایفی بر عهده کارگران آگاه و روشنفکران مبارز قرار دارد. همانطور که قبلاً هم تأکید کرده بودم خود روند جنبش انقلابی جاری درس ها و تجارب گرانبهائی به نیروهای پیشرو جامعه می آموزد. با این حال امید دارم که آنچه در اینجا به عنوان دانسته ها و تجربیاتم بیان می کنم در کار مبارزاتی به شما کمک کند.

این یک اصل است که نیروی انقلابی در مقابل دشمنی که دارای قدرت است کار خود را از ضعف شروع می کند. ولی نیروی پیشرو به تدریج با مبارزات انقلابی اش رشد کرده و با جلب توده ها به سوی خود هر چه بیشتر قدرت یافته و با شکاف انداختن در سد دیکتاتوری، توازن قوا بین خود (نیروی خلق) با دشمن را به هم می زند. در چنین شرایطی امکان شکل گیری تشکل های کارگری و امکان رابطه با کارگران برای پیشرو انقلابی به طور مؤثر به وجود آمده و امکان تشکیل حزب طبقه کارگر نیز فراهم می گردد؛ و مبارزه تا غلبه قطعی بر دشمن پیش می رود.

به نظر من در حال حاضر کارگران آگاه و روشنفکران مبارز باید به خصوص با استفاده از شرایط انقلابی کنونی با رعایت

تشکیلاتی به کارگران آگاه به ایده های سوسیالیستی، قدرت سازماندهی مبارزات عموم کارگران و بسیج و سازماندهی مبارزات دیگر توده های ستمدیده برای غلبه بر سرمایه داران (بورژوازی حاکم) می بخشد. اما در این زمینه چه کاری از دست شما برای خدمت به کارگران جهت تشکیل حزب سیاسی خود، بر می آید؟

بگذارید موضوع را به این شکل مطرح کنیم که اگر این دیکتاتوری حاکم بر جامعه ایران است که مانع از تشکل یابی کارگران و کسب آگاهی سوسیالیستی از طرف آنها گردیده پس باید راهی برای مقابله با این دیکتاتوری یافت. اما باید دانست که حکومت به این دلیل قادر به اعمال دیکتاتوری در جامعه است که بر یک قدرت نظامی یعنی ارتش و پلیس و غیره متکی است و بدون مقابله با این نیروی نظامی ضد خلقی، با دیکتاتوری نیز نمی توان به مقابله پرداخت. بنابراین در اینجا مسأله گرهی و اصلی، خود را آشکار می سازد و آن این است که برای مقابله با قدرت حاکم باید به مقابله با نیروهای سرکوب آن پرداخت. می بینیم که رسالتی که طبقه کارگر برای نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران بر عهده دارد چگونه به این "مسأله گرهی و اصلی" پیوند خورده است. می بینیم که تحقق و جامه عمل پوشاندن به آن رسالت منوط به نابودی تکیه گاه اصلی سرمایه داران یعنی ابزار سرکوب آنهاست. اما مقابله و غلبه قطعی بر ارتش و ضمائمش را تنها یک نیروی مسلح قوی یا ارتشی می تواند انجام دهد که متعلق به کارگران و توده های تحت ستم باشد یعنی ارتش خلق. پس مبارزه هدفمند جهت تشکیل ارتش خلق به منظور مقابله با دیکتاتوری و شکست ارتش ضد خلق برای انقلابیونی که دست به مبارزه سیاسی- نظامی می زنند یکی از اهداف استراتژیک آنهاست.

اگر بخواهیم مطالب فوق را جمع بندی کنیم باید بگوئیم که کلید پایان دادن به شرایط ظالمانه حاکم بر جامعه در دست طبقه کارگر قرار دارد. اما دیکتاتوری حاکم مانع دست یابی کارگران به آگاهی سوسیالیستی و متشکل شدن آنها در عالی ترین ارگان سیاسی شان می باشد؛ و این دیکتاتوری متکی بر یک نیروی نظامی است. پس نیروی پیشرو جامعه یعنی کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی برای این که بتوانند به وظایف خود در قبال کارگران جامعه عمل پیوشانند، برای مقابله با دیکتاتوری مجبورند

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

گزارشی از تظاهرات ۱۲ اکتبر در استکهلم سوئد



روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر به دعوت حزب عدالت سوئد (Organisationen) socialisterna تظاهراتی در حمایت از مبارزات مردم ایران در استکهلم برگزار شد. این تظاهرات از ساعت ۳ بعد از ظهر در میدان سلوسن "slussen" با شرکت تعدادی از کمونیست ها و جوانان سوئدی شروع گشت و طی آن شعار های زیر سر داده شد: "نابود باد رژیم تروریست جمهوری اسلامی"، "زنده باد آزادی"، "زنده باد سوسیالیسم"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". تظاهرکنندگان همچنین خواهان بسته شدن سفارت رژیم در سوئد شدند.

در این تظاهرات فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در استکهلم شرکت کرده و اعلامیه های چریکهای فدائی خلق ایران به زبان انگلیسی را در میان تظاهرکنندگان پخش کردند. در جریان این تظاهرات سخنرانی هایی در حمایت از مبارزات مردم ایران ایراد شد. سخنران ها جوانان سوئدی و دو رفیق کمونیست بودند که با تحسین و دفاع از مبارزات مردم پهاخته در سراسر ایران سرکوب وحشیانه توده ها توسط دیکتاتوری جمهوری اسلامی را محکوم و برای مردم ایران در پیشبرد جنبش انقلابی شان آرزوی موفقیت کردند. در بیشتر سخنرانی ها تاکید می شد که رژیم ایران در حال سرنگونی است و تظاهرات مخالفین رژیم آنچنان گسترده و عظیم است که حتی شاگردان خردسال مدرسه نیز در آن شرکت دارند. سخنران ها با آگاهی از قطع اینترنت توسط جمهوری اسلامی می گفتند که این امر باعث شده اخبار مبارزات مردم به درستی و در سطح وسیع منعکس نگردند. برخی از سخنران ها از "حک" کانال های دولتی خبر داده و از نقش زنان در این خیزش بزرگ سخن گفتند. برخی تاکید داشتند که ریشه نارضایتی مردم مسائل اقتصادی است و به همین خاطر دیکتاتوری حاکم تا به حال قادر به خاموشی آتشی که با قتل مهسا امینی شعله کشیده، نشده است.

در این سخنرانی ها بر شروع اعتصاب کارگران پتروشیمی و اهمیت شرکت گسترده تر کارگران در خیزش کنونی تاکید شد. همچنین سخنران ها عنوان کردند که تعداد زیادی از تظاهرکنندگان و معترضین دستگیر شده اند که احتیاج به حمایت بین المللی دارند. آنها پیشنهاد می کردند که باید یک اتحاد انترناسیونالیستی برای حمایت از آنها شکل داد و امیدوار بودند که اعتصابات کارگری وسعت هر چه بیشتری پیدا کنند. برخی از سخنران ها تاکید داشتند که انقلابی در راه است که به هیچ وجه صرفا زنانه نیست. برخی از آنها می گفتند که سلطنت طلب ها هرگز بر نخواهند گشت و تاکید داشتند که مبارزه علیه رژیم جدا از مبارزه علیه سرمایه داری و امپریالیسم نیست.

این تظاهرات که یکی از ده ها تجمعی بود که تاکنون در حمایت از خیزش بزرگ توده های ستمدیده از سوی احزاب گوناگون سوئد در این کشور برگزار شده پس از پایان سخنرانی ها با موفقیت پایان یافت.

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باد گردد!

پیروز باد مبارزات دلیرانه کارگران و ستمدیدگان در سراسر کشور!

سازمان هواداران چریک های فدایی خلق ایران در سوئد - استکهلم

۱۲ اکتبر ۲۰۲۲

را برای روی کار آمدن حکومتی که منافع اکثریت آحاد جامعه را تأمین کند هموار سازید. نابودی نظام سرمایه داری وابسته در ایران برای رسیدن به جامعه سوسیالیستی هدفی است که مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک تعقیب می کند.

به امید موفقیت برای شما در پیمودن این راه سترگ.

اشرف دهقانی

۱۰ اکتبر ۲۰۲۲ - ۱۸ مهر ۱۴۰۱

تحت ستم ایران هستید بلکه با متشکل و مسلح کردن خود، در مبارزه طولانی ای که برای رهایی از قید سرمایه داران در پیش است دارای نقشی تعیین کننده می باشید. در هر انقلاب، رژیمی که باید جانشین رژیم قبلی گردد از اهمیت درجه اول برخوردار است. تعیین کننده بودن نقش شما در این است که ضمن ایفای نقش مؤثر در انقلاب کنونی با مبارزه جهت تحقق خط استراتژیک انقلاب پیروزمند ایران، می توانید راه

کارگران از آنجا که متشکل نیستند فعلا نمی توانند با صف مستقل خود در جنبش حضور یابند. در حال حاضر، همه شواهد دال بر آن است که آنها به صورت فردی وسیعاً در این جنبش شرکت دارند. اتفاقاً - همانطور که در قیام های ۹۶ و ۹۸ هم شاهد بودیم - حضور کارگران و تهی دستان در جنبش انقلابی با خشمی که حاصل انعکاس شرایط بسیار ظالمانه زندگی شان می باشد، در عمل باعث رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر این جنبش گردیده. با این حال شعارهای ایجابی که به طور مشخص منافع و خواست کارگران و زحمتکشان را بیان نماید در این جنبش به گوش نمی رسد. شعارهای مطرح شده نظیر "نابود باد جمهوری اسلامی"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه، چه رهبر" و نظایر آنها، شعارهای رادیکال و به جانی هستند، اما آنها شعارهایی هستند که خصلت نفی کننده و سلبی را دارند. پس یکی دیگر از وظایف گروه های سیاسی - نظامی مورد نظر، بیان منافع و خواست کارگران و زحمتکشان می باشد. این خواست ها در حد مقدور باید به صورت شعارهای پر مضمون و پر محتوا فرمول بندی شوند. همچنین شما نیروهای پیشرو سعی کنید معنی آزادی که هر قشر و طبقه ای آن را بر اساس منافع خود تعبیر و تفسیر می کند را از موضع کمونیستی که خواهان وسیع ترین آزادی ها در جامعه می باشد توضیح دهید. آزادی تشکل و اجتماعات، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی داشتن یا نداشتن مذهب و غیره از آن جمله اند.

شما کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی با انجام چنین وظایف مبارزاتی می توانید تشکل نوپای خود را با انجام عملیات مسلحانه علیه دشمن و توضیح نظرات انقلابی تان به مردم بشناسانید و زمینه را برای برداشتن قدم های بعدی که همانا جذب توده ها و حرکت جهت تحقق خط استراتژیک بسیج و سازماندهی هم سیاسی و هم نظامی توده ها و تشکل ارتش خلق می باشد، فراهم نمائید. درضمن باید به یاد داشت که مبارزه مسلحانه شکل اصلی مبارزه است و لازم است با محوریت این مبارزه از همه اشکال مبارزاتی برای رسیدن به هدف استفاده کرد. بدون شک با تشکیل گروه سیاسی- نظامی و با برداشتن اولین گام ها، خود واقعیت چشم انداز و ضرورت گام های بعدی را در عمل مقابل شما قرار خواهد داد. دست یازیدن به مبارزه مسلحانه انقلابی همانگونه که تجارب مشابه نشان می دهد باعث رشد و پیشروی همه اشکال دیگر مبارزه و جذب وسیعتر توده ها به جنبش انقلابی خواهد شد.

کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی!
شما نه تنها قادر به ایفای نقشی بزرگ در جنبش انقلابی کنونی مردم

درباره چرائی عدم شرکت در تظاهرات ۲۲ اکتبر در برلین

قرار است فردا یعنی ۳۰ مهر ماه (۱۴۰۱) برابر با ۲۲ اکتبر (۲۰۲۲) به دعوت حامد اسماعیلیون تظاهراتی در پایتخت آلمان (برلین) تحت عنوان "وقتش رسیده است!" برگزار شود. این فراخوان با ادعای "هم صدائی با خیزش سراسری ایرانیان علیه جمهوری اسلامی" صادر شده و وسیعاً از سوی رسانه های قدرتهای بزرگ مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است. حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده جانباختگان هواپیمای اوکراینی می باشد که در جریان یک جنایت وحشیانه توسط موشک های جمهوری اسلامی سقوط کرد و سرنشینان آن کشته شدند.

نامبرده با اوج گیری خیزش توده ها که به دنبال مرگ ژینا (مهسا) امینی در ۲۵ شهریور ماه شکل گرفت، چندی پیش هم فراخوان تظاهراتی سراسری در کشورهای مختلف را داده بود که برای نمونه پلیس کانادا اعلام کرد در تورنتو ۵۰ هزار نفر در آن تظاهرات شرکت

کرده اند. با توجه به این واقعیت که در شرایط کنونی بدون پشتیبانی قدرتهای بزرگ امپریالیستی برگزاری چنین تظاهرات هائی بدون یک تشکیلات سراسری و در چنین ابعادی ناممکن است، چریکهای فدائی خلق ایران از چند روز پیش با انتشار اعلامیه ای تظاهرات ترتیب داده شده در ۲۲ اکتبر سال جاری با فراخوان حامد اسماعیلیون را در راستای آترناتیوسازی های امپریالیستی ارزیابی کرده و شرکت در آن را مجاز ندانستند.

اما به رغم توضیحات متکی بر واقعیت و مستدل ما، شاهدیم که برخی سازمانهای مدعی "چپ" همچون "راه کارگر" بها (هر دو سازمان منتسب به این نام) همگان را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده اند. مطالعه اطلاعاتی های این سازمانها نشان می دهد که آنها ضمن دعوت دوستان خود و دیگران به این تظاهرات اما جسارت این را ندارند که با صراحت به مخاطبین خود بگویند که این تظاهرات از سوی حامد اسماعیلیون با پشتیبانی و پوشش محافل امپریالیستی فراخوان داده شده و سازمان یافته است. همین کتمان نام حامد اسماعیلیون و سازمانده اصلی این حرکت از طرف هر دو جریان "راه کارگر"ی به روشنی نشان می دهد که خاصیت موج سواری این نیروهای سیاسی، آنها را واداشته تا ضمن مخالفت با "تر" همه با هم "درست در همان راستا و اتحاد با نیروهای ضد مردم گام بردارند و از مردم و فعالین سیاسی بخواهند تا به سیاهی لشکر حرکتی تبدیل شوند که قرار نیست هیچ آبی از آن برای کارگر و زحمتکش گرسنه و خلقهای تحت ستم داخل کشور داغ شود.

متأسفانه این نیروهای سیاسی به جای درس گیری از تجربیات انقلاب سال ۵۷، انقلابی که امپریالیستها برای سرکوب آن، دار و دسته خمینی با شعار "همه با هم" را بر موج انقلاب سوار کردند، مخالفین شرکت در تظاهرات ۲۲ اکتبر را به القابی نظیر "منزه طلبی" متهم می کنند بدون آن که به روی خود بیاورند که تا چندی پیش به همه ایراد می گرفتند که چرا "چپ ها" متوجه فریبکارانه بودن "همه با هم" خمینی نشده و فریب وی را خوردند. اینها امروز همان کاری را می کنند که تا چندی پیش به آن ایراد می گرفتند و یا هنوز هم می گیرند. با این حال کمک به ارتجاع برای فریب مردم را با "منزه طلب" نبودن توجیه می کنند.

همانطور که دیروز در دوره خمینی، فضا سازی رسانه های امپریالیستی و سازشکاری اپورتونیستهای مدعی دفاع از طبقه کارگر، اجازه نداد صدای کمونیستهای واقعی به طور هر چه وسیع در سطح جامعه طنین اندازد، امروز هم همان داستان در سطحی دیگر در حال تکرار است. اما نباید فراموش کرد که تاریخ تکرار نمی شود مگر به شکل مسخره و مضحک! به همین دلیل هم بزودی همگان خواهند دید که آنهایی که برای فرار از به اصطلاح منزه طلبی و انزوا گرایی بازیچه سیاستهای قدرتهای بزرگ شده اند اگر نخواهند بیش از این سقوط کنند و "انحلال طلبی" خود را به اوج برسانند باید با شرمندگی این بازی مسخره را کنار بگذارند.

فراموش نکنیم که برای نیروی ضد انقلاب پشت تظاهرات ۲۲ اکتبر، اصلاً مهم نیست که تعدادی هم با تصور "صف مستقل" و با سردادن چند شعار مترقی در گوشه ای از



میدان حضور یابند. چون آنها در حال پیشبرد سیاستهای ضد مردمی خود می باشند و اتفاقاً برای پیشبرد خط اتحاد "همه با هم" و قاطی شدن صف خلق با ضد خلق، حضور نیروهای از درون صف خلق و مدعیان چپ در این تظاهرات را برای رونق دادن به کار خود لازم می دانند. در نتیجه این مدعیان چه بدانند و چه ندانند در جریان این تظاهرات نیروهای کارگر ستیز و ضد مردمی سازمانده این حرکت، نان خود را پخته و کارشان را کرده اند. بیهوده نیست که حمید تقوایی، رهبر جریان معلوم الحال "حزب کمونیست کارگری" نیز توصیه شرکت در تظاهرات مزبور را داده است.

ایرانیان آزادیخواه!

چریکهای فدائی خلق ایران در شرایطی که دشمنان مردم جهت حفظ سیستم سرمایه داری در ایران دست به هر توطئه و فریبکاری می زنند، به مثابه نیروی مدافع منافع طبقه کارگر و همه توده های تحت ستم ایران حتی به قیمت قرار گرفتن در اقلیت (که نیروهای راست آن را انزوا طلبی می خوانند)، افشای دسیسه های دشمنان مردم و دفاع از حقیقت و راستی را وظیفه انقلابی خود دانسته و در این جهت حرکت می کنند.

وظیفه اصلی تمامی نیروها و افراد انقلابی و شریف و آزادیخواه در این برهه حساس این است که با هر آنچه که در توان دارند ضمن حمایت از جنبش انقلابی توده های به پا خاسته در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک شرایط دمکراتیک، خطر سیاست آترناتیوسازی امپریالیستی در خارج کشور را نیز افشاء کنند.

جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان،

نوکر غارتگران، نابود باید گردد!

زنده باد انقلاب!

هر چه پر توانتر باد جنبش انقلابی مردم ما برای "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال"

چریکهای فدایی خلق ایران

۲۱ اکتبر ۲۰۲۲ برابر با ۲۰ مهر ۱۴۰۱

جوان مبارز بلوچ که به دست مزدوران سرکوبگر

رژیم جان باخت!

من آن تشنه رهگذر فلات بیداد

رنجور و خسته،

خونین و بر خاک نشسته

با دستان بسته و

بالی شکسته

فرو فاده ام از التهاب یک فریاد

شب می خرامد و در صبح بی تردید

بنگر چگونه قد میکشم از خاک

رقصان،

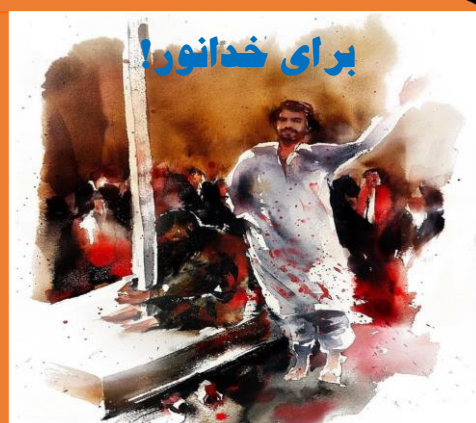
دوباره می گذرم با نوای باد

با غرش دوباره "تفتان" و نعره های "زاب"

می فشام بذر نابودی به پیکر بیداد!

من شقاوت طوفان سیستم آری

به جان سفله این دشمن شباد! (ع-شفق)



اشرف دهقانی

سخنی با کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی ایران!



حملات جسورانه خود قرار داده، آنها را تسخیر و به آتش می‌کشند. اینها همه بیانگر حدت و شدت یافتن هر چه بیشتر تضاد بین توده‌های تحت ستم ما و در رأس آنها کارگران با دشمنانشان و به طور مشخص با نظام سرمایه داری حاکم می‌باشد؛ تضادی که جز با شکست سرمایه داران و نابودی این سیستم ظالمانه قابل حل نیست. درست خواست و اشتیاق شدید برای نابودی سیستم اقتصادی-اجتماعی موجود است که پتانسیل انقلابی و شجاعت و از جان گذشتگی‌های بی نظیر را در میان ستمدیدگان ما سبب شده است. آنها با مبارزات قهرمانانه خود فرا رسیدن آن روز را تسریع و نوید می‌دهند.

در دوره قبل، توده‌های ما با یادآوری به قدرت رسیدن رضا شاه توسط امپریالیسم انگلیس و کودتای ۲۸ مرداد توسط امپریالیستهای آمریکا و انگلیس جهت بازگشت محمد رضا شاه به قدرت و عیان بودن وابستگی رژیم شاه به امپریالیستها که برخلاف امروز - در مورد جمهوری اسلامی- امر پوشیده‌ای نبود، بر ماهیت دموکراتیک و ضد امپریالیستی بودن انقلاب خود واقف بودند، اما ضعف بزرگ توده‌ها نداشتن یک تشکیلات کمونیستی قوی و در پیوند با توده‌ها بود تا بتواند مبارزات قهرمانانه آنها را به سوی پیروزی رهنمون شود.

امروز نیز مردم آگاه ایران می‌دانند که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با توافق امپریالیستها در کنفرانس گوادالوپ روی کار آمد. می‌دانند که شرایط ظالمانه و فقر و بدبختی کنونی در جامعه حاصل تبعیت رئیس جمهورهای منتصب آن از خواسته‌های نهاد های امپریالیستی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است، می‌دانند که جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست های آمریکاست که ثروت‌های مردم ایران

اگر جنبش انقلابی امروز در ایران را با جنبش انقلابی سالهای ۵۶-۵۷ مقایسه کنیم خواهیم دید که جنبش جاری در هر زمینه از جنبش قبلی پرقدرت تر و پر مضمون تر است.

در جنبش قبلی، اولین شراره‌های انقلاب در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ در تبریز بر پا شد. ولی مدتی طول کشید تا آتش انقلاب همه جای ایران را فرا گیرد. در حالی که امروز پس از تظاهراتی که در تهران و سپس در سقز علیه قتل جنایتکارانه ژنرال امینی صورت گرفت، خیلی زود جنبش به شهرهای دیگر ایران کشیده شد و در مدت کوتاهی سراسر ایران را فرا گرفت و جنبش به معنی واقعی همه گیر شد.

در سال ۵۶-۵۷ قبل از این که انقلاب در ۲۱ و ۲۲ بهمن به اوج خود برسد، به صورت برجسته، در آغاز تنها در تبریز بود که توده‌های انقلابی ضمن درگیری با نیروهای سرکوب، با خشمی انقلابی به مراکز ستم و سرکوب رژیم شاه حمله بردند. آنها حتی یورش به بانکها، این مظهر سرمایه داری حاکم را نیز از یاد نبردند. اما مدتی طول کشید تا در شهرهای دیگر نیز خشم توده‌ها از رژیم شاه شعله بر کشد. در حالی که ما امروز در سراسر ایران شاهدیم که جوانان انقلابی، زن و مرد، در مقابل نیروهای سرکوب تنها به دفاع اکتفاء نکرده بلکه با جسارتی بی نظیر، این نیروهای وحشی حافظ نظم استثمارگران سرمایه داری را مورد حملات خشماکین برحق خود قرار می‌دهند.

اگر در سال ۵۷ تنها در جریان قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن بود که در سطحی وسیع توده‌های انقلابی حمله به مراکز نظامی دشمن را در دستور کار خود قرار داده و سعی در مسلح کردن خود نمودند، در انقلاب کنونی، مردم جان به لب رسیده و شجاع ما هر جا که امکان یافته اند مراکز سرکوب و ستم، از کلانتری ها و فرمانداری ها گرفته تا دفاتر امام جمعه ها را مورد

از صمیم قلب به شما درود می‌فرستم که هم اکنون در کنار توده‌های رنج‌دیده ایران نبرد سهمگینی را علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیست‌هایی که این جرثومه جنایت و فساد را در کنفرانس گوادالوپ به مردم ایران تحمیل کردند، پیش می‌برید.

امروز توده‌های قهرمان ایران با عزمی راسخ به جنگ با دشمنان خود برخاسته و انقلابی را در ایران آغاز کرده‌اند. صحنه‌های جنگ بی امان و خون‌های ریخته شده در کف خیابان‌های سراسر کشور تماماً بیانگر و نشان‌دهنده جریان یک مبارزه حاد طبقاتی در جامعه ما می‌باشد؛ مبارزه حاد و سرنوشت ساز بین توده‌های تحت ظلم و ستم سرمایه داران- اعم از امپریالیست‌ها و سرمایه داران داخلی- و نیروهای سرکوبگر حافظ نظم استثمارگران و جنایتکارانه آنها. در چنین اوضاعی وظیفه خود می‌دانم برخی دانسته‌ها و تجاریم را با شما که قادر به ایفای نقشی بزرگ و تعیین کننده در جنبش انقلابی کنونی مردم تحت ستم ایران هستید در میان بگذارم. به واقع، آینده این جنبش وابسته به شما و نقشی ست که برای تداوم و ارتقاء آن بر عهده می‌گیرید.

اما بگذارید ابتدا بگویم که جنبش انقلابی کنونی درس‌ها و تجارب گرانبهایی با خود به همراه دارد که مطمئناً شما با کوشش در تجربه اندوزی و به کارگیری آنها بصیرت بیشتری برای گشودن گره‌ها و رفع مشکلات پیش پا، خواهید یافت؛ و راه انقلاب ایران و دست یابی به پیروزی به صورت هرچه عینی تر در مقابل شما قرار خواهد گرفت. در همان حال تجارب مثبت و منفی مبارزات دوره شاه و جنبش انقلابی در ایران در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نیز می‌تواند به شما کمک کند که قدم‌های هر چه مؤثرتری را برای تداوم انقلاب و رسیدن به پیروزی بردارید. بنابراین، نکاتی را در این زمینه یادآور می‌شوم.

اعمال دیکتاتوری وحشیانه تر از جمهوری اسلامی عمل نکند.

بنابراین مردم مبارز ایران باید متوجه خطری که امروز انقلاب آنها را تهدید می کند باشند. می بینیم که با قطع اینترنت، مردم ما عمدتاً در معرض تبلیغات تلویزیون های معلوم الحال قرار دارند که جز دروغ و افکار سازی ریا کارانه به نفع سرمایه داران، چیز دیگری به مردم ارائه نمی دهند. این گونه تبلیغات، ابزاری در دست بورژوازی حاکم برای بسیج مردم تحت شعارهای دلخواه خود و ایجاد مانع بر سر راه ستمدیدگان جامعه برای رسیدن به خواسته های برحق و انقلابی خویش است. بی دلیل نیست که در تبلیغات مسمومی که امروز در سطح جهان در رابطه با انقلاب مردم ما به راه افتاده، مطالبات کارگران و زحمتکشان ما جایی ندارد. گویا کارگران

ما که تحت استثمار وحشیانه سرمایه داران قرار دارند و حتی به دلیل اعتراض به مرزهای پرداخت نشده شان با وارد آوردن ضربات شلاق بر بدنشان مجازات می شوند، یا شبانه با یورش ارادل وزارت اطلاعات به خانه اشان مواجه شده و تحت شکنجه قرار می گیرند، زنان کارگری که حتی از مردان کارگر هم وحشیانه تر مورد استثمار قرار دارند و از بسیاری حقوق محروم اند، دستفروشی که بساط ناچیزش مورد حمله اوباشان شهرداری قرار می گیرد، معلمی که فریاد می زند حقوقش آنقدر کم است که در وسط برج قادر به خرید یک شانه تخم مرغ هم نیست، زن محرومی که با ریختن اشک از اجبار خود برای تن فروشی صحبت می کند، کشاورزی که چشمش را برای حقایق کور می کند، آری در تبلیغات مسموم کنونی، گویا همه توده های تحت ستم و دربند ایران خواسته های برحق خود را فراموش کرده اند و به این دلیل در خیابان به قیمت ریخته شدن خونشان به درگیری با نیروهای نظامی سرکوبگر می پردازند و فریاد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" سر می دهند، که گویا می خواهند حجاب لغو شود و موی زنان در زیر شال و روسری پوشیده نماند!!

اما واقعیت آنقدر عیان است که چنین تبلیغ زهرآگین را جز افراد و نیروهای متعلق به طبقه مفت خور نمی پذیرند. کار به جایی رسیده است که گاه شنیده می شود که انقلاب شکوهمند کنونی را جنبش اعتراضی "زن، زندگی، آزادی" می نامند. این شعار که جای شعارهای برابری طلبانه زنان تحت ستم ما را گرفته از ظرفیتی برخوردار است که هر مرتجعیتی هم با گند چاله دهانش می تواند آن را بر زبان آورد، همانطور که زن شاه سابق هم آن را بیان می کند. اما، انقلاب توده های تحت ستم ما علیه سرمایه داران و برای قطع هر گونه نفوذ امپریالیست ها در ایران برپا گشته و

در فقدان یک تشکیلات انقلابی، اگر دیروز امپریالیستها توانستند مسیر انقلابی مردم ما را تغییر دهند، اگر توانستند خمینی را به جلوی صحنه رانده و از زبان او شعار "همه با هم" را به مردم ایران قالب کنند تا خمینی به نمایندگی از دشمنان اصلی مردم ایران، با این شعار خواست خود را به کرسی بنشانند، امروز هم نبود یک تشکیلات انقلابی باعث شده تا دست بورژوازی امپریالیستی برای انحراف جنبش انقلابی کنونی مردم تحت ستم ما باز بماند. این بورژوازی، امروز با داشتن رسانه های متعدد و امکان تبلیغات وسیع در سطح جهان و برخورداری از قدرت بسیج نیرو، دارد انقلاب کنونی توده های رنج دیده ما را که برای نان، مسکن، آزادی بر پا شده، یک "انقلاب زنانه" جلوه می دهد.

تحت ظلم و ستم آفریقای جنوبی به کار برد. این بورژوازی، در آنجا خود را علیه آپارتاید و رفع تبعیض نژادی در رابطه با مردمان سیاه پوست آن کشور نشان داد، و دست به همان تبلیغات پر سر و صدا و بسیج نیرو زد که امروز در مورد ظاهراً دفاع از زنان تحت ستم ایران انجام می دهد. این تجربه گرانبهائی است. چرا که همگان دیدند که پس از انحراف مسیر انقلاب کارگران و زحمتکشان آفریقای جنوبی، وقتی این بورژوازی حکومت دلخواه خود که عمدتاً از سیاه پوستان تشکیل شد را بر سر کار آورد، اولین اقدام آن حکومت دست نشانده، گلوله باران کارگرانی بود که برای تحقق خواسته های خود مبارزه می کردند.

در مورد ایران نیز امروز بورژوازی حاکم بر جهان، در صدد است در پشت دفاع ظاهری از زنان در بند ایران، آنهم البته در دفاع از برخورداری زنان در نپوشاندن موهایشان- که دفاعی بسیار محدود و ناچیز در مقابل ظلم های همه جانبه و بسیار شدیدی است که زندگی را بر اکثریت زنان ایران غیر قابل تحمل کرده است- سیاست های دشمنانه خود علیه توده های رنج دیده ما را به پیش ببرد. اگر آنها در پیشبرد این سیاست مکارانه موفق شوند، راه را برای شکل دادن به یک رژیم جنایتکار با ظاهری متفاوت از جمهوری اسلامی برای خود هموار خواهند کرد. در این صورت رژیم دست نشانده آنها به عنوان ابزار تازه نفس طبقه سرمایه دار حاکم، قادر خواهد بود حداکثر با تعدیل برخی سیاستهای زن ستیزانه در قانون کشور و لغو حجاب اجباری، خود را "انقلابی" جلوه داده و مردم را به خانه بفرستد تا مثل دوران سیاه رژیمهای شاه و جمهوری اسلامی، در، همچنان بر همان پاشنه استثمار، غارت و سرکوب کارگران و توده های محروم بچرخد. جای تردید نیست که چنان رژیمی جهت آرام کردن اوضاع و اعاده نظم سابق در جهت حفظ منافع سرمایه داران در ایران، ضمن پایمال کردن خون مردان و زنان جان بر کف ما، نمی تواند خشن تر، جنایتکارانه تر و با

را در سوریه و عراق و دیگر مناطق خاورمیانه صرف می کند. می دانند که تا نفوذ امپریالیستها، از روسیه و چین گرفته تا امپریالیستهای اروپائی و آمریکا (که این یکی پشت پرده عمل می کند)، از ایران قطع نشود، مردم ما روی سعادت را نخواهند دید، اما امروز هم ضعف بزرگ انقلاب عظیمی که در ایران در جریان است، فقدان یک تشکیلات کمونیستی قوی و در پیوند با توده ها است. این، آن موضوع مهمی است که در اینجا روی آن تمرکز می کنیم.

در فقدان یک تشکیلات انقلابی، اگر دیروز امپریالیستها توانستند مسیر انقلابی مردم ما را تغییر دهند، اگر توانستند خمینی را به جلوی صحنه رانده و از زبان او شعار "همه با هم" را به مردم ایران قالب کنند تا خمینی به نمایندگی از دشمنان اصلی مردم ایران، با این شعار خواست خود را به کرسی بنشانند، امروز هم نبود یک تشکیلات انقلابی باعث شده تا دست بورژوازی امپریالیستی برای انحراف جنبش انقلابی کنونی مردم تحت ستم ما باز بماند. این بورژوازی، امروز با داشتن رسانه های متعدد و امکان تبلیغات وسیع در سطح جهان و برخورداری از قدرت بسیج نیرو، دارد انقلاب کنونی توده های رنج دیده ما را که برای نان، مسکن، آزادی بر پا شده، یک "انقلاب زنانه" جلوه می دهد. این بورژوازی می کوشد با فراگیر کردن شعار "زن، زندگی، آزادی" همه مطالبات انقلابی مردمان جان به لب رسیده و سلحشور ایران به موضوع لغو حجاب تقلیل یابد.

در چنین اوضاعی، از طرف دیگر، با افراد و جریانات سیاسی ماهیتاً سازشکار در درون صف خلق مواجهیم که درست به گونه ای که در سال ۱۳۵۷ در آستانه سقوط رژیم شاه بود، فریب تبلیغات فریبکارانه بورژوازی را خورده و با این توجیه که "در حال حاضر"، موضوع بر سر لغو حجاب است، و نوبت خواسته های دیگر مردم بعداً فرا خواهد رسید، به دنبال این بورژوازی مکار، و جنبش "همه با هم" روان است؛ و حاضر نیست به روی خود بیاورد که با لغو حجاب برابری حقوق زن و مرد تأمین نمی گردد، و حتی به صرف سرنگونی جمهوری اسلامی هم زنجیرهای دیگر بر دست و پای زنان، گسسته نمی شود. اینان شیشه عمر رژیم جمهوری اسلامی را در حجاب می بینند و صرف سرنگونی این رژیم را مساوی با آزادی مردم ایران تلقی می کنند. خلاصه آن که می بینیم که تاریخ به طور مسخره دارد دوباره تکرار می شود.

روند توطئه گرانه ای که بورژوازی امپریالیستی امروز در رابطه با انقلاب بزرگ مردم ایران در پیش گرفته از بسیاری لحاظ همانند روند و سیاستی است که در جهت به شکست کشاندن انقلاب توده های



جنایت بزرگ جمهوری اسلامی در زاهدان

در شرایطی که شعله های انقلاب مردم قهرمان ایران برای دست‌یابی به نان و مسکن و آزادی سراسر ایران را فرا گرفته است، روز جمعه ۸ مهر ماه (۱۴۰۱) رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در زاهدان، حمام خون دیگری به راه انداخت. مأموران جنایتکار این رژیم با شلیک گلوله به سوی مردمان محروم و شدیداً رنج‌دیده بلوچ، تعداد زیادی از اهالی شهر را کشته و مجروح نمودند. زمینه این جنایت و وحشی‌گری بر پائی تظاهرات مردم مبارز زاهدان در اعتراض به تجاوز به یک دختر ۱۵ ساله توسط سرهنگ ابراهیم کوچک‌زایی فرمانده انتظامی شهرستان چابهار بود.

توده خشمگین و جان به لب رسیده از ظلم‌هایی که در حق آنان روا می‌شود در شرایطی که ستاد فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان آشکارا از عامل این تجاوز حمایت می‌کرد، روز جمعه برای ابراز اعتراض خود به سوی کلانتری ۱۶ زاهدان راهپیمائی کردند. اما مأموران انتظامی با گلوله‌های جنگی به میان جمعیتی که تنها سنگ در دست داشتند شلیک نموده و باعث مرگ تعداد زیادی از اهالی شدند.

به دنبال این جنایت دهشتناک که باعث شدت یابی خشم توده‌های انقلابی گشت، آنها از پای ننشستند و با جسارت انقلابی به برخی از مراکز سرکوب و ستم از جمله به دو کلانتری و تعدادی بانک یورش بردند. در همان حال تظاهرات پراکنده‌ای در شهر بر پا شد که باز هم با شلیک گلوله‌های جنگی توسط مأموران جنایتکار جمهوری اسلامی پاسخ گرفت و منجر به کشته شدن تعداد دیگری از مردم زاهدان گردید.

بر اساس گزارشات منتشر شده در جریان درگیری‌هایی که بین توده‌های محروم زاهدان و پلیس سرکوبگر به وجود آمد، چند تن از مزدوران رژیم نیز کشته شدند. حمید رضا هاشمی، معاون فرمانده اطلاعات سپاه استان با نام مستعار سید علی موسوی در میان کشته‌شده‌های جمهوری اسلامی قرار داشت که یکی از جنایتکاران معروف منطقه بود.

گزارشات منابع محلی در بلوچستان حاکی است که هویت حداقل ۵۳ نفر از قربانیان این کشتار محرز می‌باشد. البته همین منابع تأکید می‌کنند که تعداد کشته‌شدگان بسیار بیشتر بوده و تعداد زیادی نیز مجروح شده‌اند. در چنین شرایطی خبرگزاری ایرانای جمهوری اسلامی از کشته شدن تنها ۱۹ نفر خبر داده و با بیش‌رمی تمام مدعی شده که آنها در "اقدامی تروریستی" کشته شده‌اند.

جنایت زاهدان یکبار دیگر برخورد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با توده‌های رنج‌دیده بلوچ را به نمایش گذاشت و به نوبه خود آشکار ساخت که توده‌های قهرمان ما برای از بین بردن کدام ظلم‌ها و ستم‌ها و چه محرومیت‌ها و تبعیضاتی در سراسر ایران دست به انقلاب زده‌اند. رویدادهای زاهدان آشکار ساخت که این توده انقلابی تا زمانی که به این وضع ظالمانه پایان نداده و ریشه ظلم و ستم‌های موجود را در آتش خشم خود نسوزانده و به خاکستر تبدیل ننماید، از پا نخواهد نشست.

جمهوری اسلامی نوکر غارتگران، دشمن زحمتکشان نابود باید گردد!
برقرار باد اتحاد همه خلقهای ایران علیه رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزات وقفه‌ناپذیر خلقهای تحت ستم ایران!

چریکهای فدائی خلق ایران
۱۰ مهر ۱۴۰۱ - ۲ اکتبر ۲۰۲۲

حاصل پیروزی این انقلاب آزادی و رهائی از وضع ظالمانه کنونی خواهد بود.

درست در چنین شرایط دشواری است که کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی می‌توانند نقش مهم و به واقع حیاتی برای افشای توطئه‌های دشمنان و روشنگری در میان مردم ایفاء بکنند. به همانگونه که در قیام توده‌ای سال ۹۶ شاهد بودیم (از جمله از ورای شعارها و دیوار نویسی‌ها)، افکار و اندیشه‌های چپ و کمونیستی کاملاً به طور گسترده در جامعه ایران رواج دارد. امروز جمهوری اسلامی از یک طرف و قدرت‌های امپریالیستی (تحت عنوان مخالفت با این جمهوری) از طرف دیگر با همه توان از شنیده شدن صدای نیروهای متعلق به کارگران و زحمتکشان جلوگیری می‌کنند. با این حال واقعیت وجود نیروی چپ در جامعه، کار بردن آگاهی به میان مردم و بر ملا ساختن توطئه‌ای که بورژوازی امپریالیستی برای به شکست کشاندن انقلاب کنونی مردم ما در حال اجرای آن است را تسهیل می‌کند.

از آنجا که زنان ایران در طی ۴۳ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی رنج‌ها و مشقت‌های بی‌حد و حصری را از سر گذرانده‌اند، ممکن است متوجه نباشند که بورژوازی با "زنانه" خواندن انقلاب کنونی ایران، و تبلیغ صرف روی زن‌انهم صرفاً با دست‌آویز موه‌های او، دارد پشت‌پا به خواست‌های اساسی زنان می‌زند؛ دارد با نام زن و ظاهراً دفاع از حق زن، خود را برای سرکوب زنان و کل جامعه آماده می‌کند. شما موظفید مفهوم واقعی این امر که آزادی زن، آزادی جامعه است را تشریح نموده و این آگاهی را به میان مردم ببرید که زنان تنها در یک جامعه آزاد، جامعه‌ای که دموکراسی در عالی‌ترین سطح در آن وجود داشته باشد به معنی واقعی به آزادی دست پیدا می‌کنند. این آگاهی را به میان زنان و مردان رنج‌دیده ما ببرید که تا نظام استثمارگرانه سرمایه‌داری در ایران از بین نرود، مردم ما همچنان در جهنم فقر و مصیبت‌های گوناگون باقی خواهند ماند. در این صورت جامعه آزاد نخواهد بود و زنان نیز.

صحبتم طولانی شد، پس بخشی از آنچه که در ابتدا قصد داشتم با شما در میان بگذارم را به موقعیت دیگری موکول می‌کنم.

۱۰ مهر ۱۴۰۱ - ۲ اکتبر ۲۰۲۲



هنرمند و سلبریتی و مخالف درونی و.... از تداوم این نظام استثمارگرانه و چهل و سه سال سرکوب توده های به پا خاسته موقعیت خریده و استفاده برده اند! اکنون با مشاهده قدرت محرومان اینها در حال تغییر "جبهه" و جادادن خود در میان صفوف انقلاب گریز ناپذیر آتی هستند! چنین واقعیتی اون هم در این ابعاد در گذشته بی سابقه بوده است.

ندای خیزش برای واژگون کردن نظم کهنه آنقدر بلند و امواج طوفان آنقدر محکم و غیر قابل انکار است که شورش و و انقلاب به "تپتر" روزنامه های رسمی نیز بدل شده است! هنرمندان و ورزشکاران یکی پس از دیگری نه تنها از کانال شبکه های اجتماعی بلکه از پشت خود بلندگوهای رسمی نظام، سیاست طبقه حاکم و سرکوب مردم را محکوم و نفرت خود از آن را اعلام می کنند. چنین حدی از نفرت و تحقیر "فرمانده" آبروباخته در راس نظام حتی برای خود طبقه حاکم نیز قابل باور نبود. چنین وضعی را تنها در جریان یک خیزش همگانی عمیق، یعنی یک انقلاب می توان سراغ گرفت. انقلاب، همه طبقات و اقشار جامعه را به میدان مبارزه می کشاند.

همه چیز یادآور رویدادهای انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ است صدای شکسته شدن استخوانهای فرسوده سگان زنجیری قلاده شده امپریالیستها در کنفرانس گوادلوپ در ابعادی بزرگتر، عمیقتر و غیر قابل انکارتر از رویدادهای منتهی به قیام بهمن ۵۷ به گوش می رسد! همه چیز نشون می ده که این جنبش دلاورانه هر سرنوشتی پیدا کنه، جمهوری اسلامی به هیچ وجه قادر به بازگردوندن وضع جامعه به اوضاع قبل از این رویدادها نخواهد شد.

پرسش: می دانیم که هر خیزش توده ای که منافع سرمایه داران را به خطر بیندازد بطور طبیعی علاوه بر حربه سرکوب اتاق های فکر آنها را هم فعال می کنه تا در جستجوی جایگزینی باشند که در لحظه خطر منافعیان را حفظ کنه در رابطه با تحركات دشمنان مردم در این زمینه چه می گوید؟

پاسخ: گرچه آنچه که امروز در کف خیابانهای در تسخیر جوانان سلحشور ما می گذرد منشاء امید همه ماست! اما این امید با بیمی به جا توام است و آن احساس بی اطمینانی از آینده سیلی ست که در خیابانهای کشور ما علیه جمهوری اسلامی و حامیان جهانی آشکار و نا آشکار این رژیم به راه افتاده است! چرا که همانطور که شما اشاره کردید صدای انقلاب و بانگ رسای کوشش برای تغییر و واژگونی بساط استثمار و سرکوب به گوش امپریالیستها، دشمنان ما، همانهایی که انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ را در نیمه راه به شکست کشانده و آن را به دست دار و دسته جنایتکار خمینی دادند، نیز رسیده

پیرامون سیاست آلترناتیو سازی امپریالیستها در جنبش جاری!

گفتگوی کانال بذرهای ماندگار با رفیق جنگیز قبادی فر



مردم تحت ستم ما، انقلابی برای آزادی توده ها از چنگال دشمنانشان در حال نفس کشیدن است! شعله های این خیزش، سراسر وجود مردم ما و تمام وجدانهای آزادیخواه در سراسر جهان را در امید و بیمی توامان می سوزاند.

قتل وحشیانه دختر کرد، ژینا امینی، تنها جرقه ای بود که آتش انقلاب را در ایران شعله ور ساخت. اما، هر چه گذشته، جنبش نه تنها خاموشی نمی گیرد بلکه در قامت زنان و مردانی که مرگ را به سخره گرفته اند وسعت بیشتری گرفته و عمیق تر گشته است.

برغم سرکوب وحشیانه حرکات مردمی توسط مزدوران هار رژیم، برغم شلیک تیرهای جنگی، گلوله های ساچمه ای، برغم شلیک به دست و پا و سر قربانیان، برغم قتل عام مردم در زاهدان و لت و پارکردن دانشجویان در تهران و در یک کلام به رغم سرکوب خونین، بی وقفه و بی محابا توسط دیکتاتوری حاکم، مردم سلحشور ما در ده ها شهر کشور باز به میدان می آیند و به میدان جنگی آشکار که بین سرمایه داران زالو صفت حاکم و رژیمشان جمهوری اسلامی از یک سو با میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و خلقهای تحت ستم تبدیل شده می پیوندند. از دل این جنگ نابرابر، **روحیه مبارزاتی نوینی** در میان توده های به پا خاسته از پیر و جوان، زن و مرد و کودک و نوجوان زاده شده که هیچ زوری قادر به در هم کوبیدن و منکوب نمودن آن برای همیشه نیست. در خیابانها مردم به نیروهای سرکوب تا بن دندان مسلح یورش می برند. در مقابل سلاح های نشانه رفته به قلبشان استوار می ایستند، و فریاد "بی شرف" و "مرگ بر دیکتاتور" و "جمهوری اسلامی نمی خواهیم!" سر داده و فریاد می زنند بترسید از زوری که مسلح شویم! مشاهده چنین شجاعتی **باعث تشدید ریزش** در میان خودی های نظام و حتی میانه بازانی شده که در قالب

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با درود های گرم به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران. بیش از دو هفته است که به دنبال قتل ژینا (مهسا) امینی خیزشی انقلابی بزرگی علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شکل گرفته است. این اعتراضات که دامنه آن بیش از ۱۲۰ شهر کشور را در بر گرفته و با حمایت وسیع ایرانیان مقیم خارج از کشور مواجه گشته به پرسش های بسیاری هم دامن زده است. برخی از این پرسش ها را با رفیق جنگیز قبادی فر از مسئولین چریکهای فدائی خلق ایران در میان گذاشتیم تا شنوندگان کانال بذرهای ماندگار بیشتر در جریان مواضع چریکهای فدائی خلق در این رابطه قرار بگیرند.

بذرهای ماندگار: با درود رفیق جنگیز قبادی فر! و با سپاس از این که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید.

رفیق جنگیز قبادی فر: با درود به شما که چنین گفتگویی را سازمان داده اید.

پرسش: رفیق جنگیز همان طور که می دانید این روز ها انقلابی بزرگ ایران را فراگرفته است. با توجه به خیزش های قبلی که در سالهای ۸۸، ۹۶ و ۹۸ شاهد بودیم این خیزش را چگونه می بینید؟ بعضی ها آنرا یک قیام بی سابقه و آغاز یک انقلاب ارزیابی می کنند.

پاسخ: اینروزها تاریخ درخشان مردم کشور ما در حال ورق خوردن و ثبت رویدادهای مبارزاتی درخشانی ست که جدا از سرنوشت آن هیچ گاه از یادها نخواهد رفت. اکنون در سراسر کشور از کردستان گرفته تا بلوچستان و از آذربایجان گرفته تا تهران و شمال کشور و ... در اثر فداکاری های توصیف ناپذیر جوانان زنان و

قربانیان یکی از کثیفترین جنایات جمهوری اسلامی) متمرکز می شوند؛ و برای سازماندهی نیروی جنبش در خارج کشور و از آن طریق معرفی یک "آلترناتیو متحد کننده" به توده های به پا خاسته و شریف داخل و نفوذ در جنبش انقلابی آنها، از حسن توجه مردم نسبت به این خانواده های داغدار استفاده می کنند.

هیچ کس نمی تواند بدون پا گذاردن بر واقعیت منکر این حقیقت شود که حرکات سراسری یک هفته اخیر به قولی در ۱۵۰ شهر جهان در یک زمان و با پوستر یکسان، و تهیه پرچمهای یک رنگ و یک شکل، پرداخت هزینه های گزاف در محلهای تظاهرات به قدرتی نیازمند است که دارای شبکه وسیع ارتباطی و پوشش تبلیغاتی وسیع و امکانات مالی قابل توجه باشد. (مثلاً برپائی تظاهرات در ترافیکار اسکوتر لندن که هر کسی می دونه پرداخت حق بیمه آن برای شهرداری و مدیران این محل توریستی در حرکات مشابه به چند هزار پوند بالغ می شه یک نمونه است) نکته قابل توجه در آن تظاهرات یکی این بود که در بسیاری از نقاط، سازماندهندگان نامرئی این حرکات حتی از قید شعار حداقلی مرگ بر جمهوری اسلامی - که حداقل خواست توده های مردم ایران است که آن را با نثار خون پاک خود در خیابانهای ایران فریاد می زنند بر پرچم این تظاهرات نیز ابا داشتند.

امکانات چنین بزرگی را دستهای نامرئی با کمک از پوشش تبلیغاتی رسانه های امپریالیستی نظیر ایران اینترنشنال (برخی نام اشغال اینترنشنال به آن داده اند) فراهم کردند؛ و تحت نام خانواده قربانیان پرواز ۷۴۷ و به طور مشخص چهره شناخته شده کمپین بر حق این خانواده ها یعنی حامد اسماعیلیون عملی کرده و به پیش بردند. حامد اسماعیلیون کسی است که همسر و فرزندش را در جریان شلیک جنایتکارانه مأموران جمهوری اسلامی به پرواز ۷۴۷ از دست داده است. حال امروز دشمنان قسم خورد مردم ایران، دستهای ناپاک خود را در پشت او قرار داده اند تا با سوء استفاده از حسن توجه مردم نسبت به یک فرد داغ دیده، بتوانند امیال و سیاستهای ضد خلقی خود را علیه مردم ما به پیش ببرند.

پرسش: آیا معنی حرفهای شما اینه که نیروی سازمانده این تظاهرات آلترناتیو جایگزین رژیم جمهوری اسلامی؟

پاسخ: ببینید برای پاسخ به این سوال مهمی که مطرح کردید من برای این که فقط با یک کلمه جواب ندم لازم می دونم که توجه شنوندگان عزیزتون رو به دو تا نکته جلب کنم: اول آنکه کارزار حرکات

مجاز و قابل تحمل است) و یا "انقلاب زنانه"، شعارهای رادیکال توده به پا خاسته داخل کشور نظیر "جمهوری اسلامی، نابود باید گردد"، "نان کار آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" و "وای به روزی که مسلح شویم" و... حتی الامکان کنار زده و به حاشیه رانده و با ایجاد یک پلاتفرم رفرمیستی و بی خاصیت در خارج، رادیکالیزم داخل را زایل سازند.

پرسش: چند روز پیش در ۹ مهر ماه برابر با اول اکتبر (۲۰۲۲)، در حدود ۱۵۰ کشور جهان تظاهرات وسیع و هم زمان با هم در حمایت از خیزش مردم در ایران صورت گرفت. برخی ها معتقدند که با توجه به محدودیت های نیرو های سیاسی شناخته شده بدون شک باید قدرتی پشت این حرکت هماهنگ سراسری بوده باشد. اینطور نیست؟

پاسخ: من در پاسخ به سوال بسیار مهمی که مطرح کردید باید تاکید کنم. ببینید! تشخیص منشاء اصلی و قدرت واقعی در ماورای پروژه عظیم تظاهرات سراسری در بیش از ۱۵۰ شهر بزرگ و کوچک دنیا و بسیج بی سابقه ایرانیان خارج کشور در این تظاهرات زیر نام "اتحاد ایرانیان" چندان دشوار نیست. وجود پرچمهای نفیس یک شکل و اندازه توزیع شده از سوی منابع ناشناس در میان جمعیت با سلطه شعارهایی که بسیار از شعارهای داخل کشور به لحاظ شکل و مضمون عقب تر هستند، هر کسی را می تواند به این فکر وا دارد که چه نیروئی در پشت این تظاهرات قرار دارد. برای هر کسی که دستی بر آتش دارد نیاز به تاکید نیست که سازماندهی حرکتی به این بزرگی نیازمند امکانات بسیار وسیع مالی، شبکه نیرومند و گسترده ای از ارتباطات و ابزار تبلیغاتی بسیار قوی بین المللی است که از عهده و توان فعلی نیروهای انقلابی تبعیدی در خارج کشور خارج است. سوال اینه که پس چه نیرو و تشکیلاتی در پشت این حرکتهاست؟

پاسخ این است که تمامی شواهد موجود نشان می دهند قدرتی که در انقلاب سالهای ۵۷-۵۶ به تدریج در میان انواع آلترناتیوهای موجود برای غرب سرانجام در پشت خمینی تبهکار متمرکز شد و عکس او را یک شبه به ماه فرستاد و با طوفان سیستماتیک تبلیغاتی بر بستر ضعف و فقدان یک آلترناتیو انقلابی بر جنبش حاکم کرد، اکنون نیز در شکلی دیگر دست اندر کار توطئه علیه جنبش انقلابی خلق ماست. آنها دیروز با همه قوا سلطنت را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی تبلیغ می کردند و البته این به اصطلاح آلترناتیو را هنوز کنار نگذاشته اند. اما دنبال پروژه های دیگر هم هستند. در حال حاضر شاهدیم که اونها دارند روی تشکل شناخته شده "خانواده قربانیان پرواز ۷۴۷"

است. در همین رابطه، از زمان جنبشهای سال ۹۶ و ۹۸ ما شاهد تلاشهای چندین ساله رسانه های امپریالیستی از جمله "من و تو" و "ایران اینترنشنال" و "بی بی سی" و ... برای تبلیغ افسانه اصلاحات و یا ایجاد زمینه برای بازگشت سلطنت در بحرانهای جاری بوده ایم. صدای آمریکا هنوز هم شعار "رضا شاه روح شاد" را تبلیغ می کند و این در حالی است که شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" با چنان آواز بلند و همه گیری در جامعه سر داده شده که کاسه کوزه این رسانه های دروغپرداز را به هم ریخته و گردانندگان آنها را قانع کرده که شعارهای داخل کشور در نفی هر گونه دیکتاتور و ستمگر رو نمیشه استتار کرد و ندیده گرفت و این شعار پیش از هر چیز بیانگر آگاهی والای مردم و فقدان زمینه برای بازگرداندن بازماندگان و عمه اکره جنایتکاران سلطنت است.

اما آیا آنهایی که صدای انقلاب مردم ایران را دیگر بار شنیده اند، با دریافت عقیم بودن این آلترناتیو ارتجاعی، از کوشش های خود برای رهبر سازی، و کانالیزه کردن جنبش کنونی (نظیر سال ۵۷) به مسیرهای انحرافی و بی خطر به منظور حفظ نظامشان دست می کشند؟ پاسخ مسلماً منفی ست. منافع امپریالیستهای گوناگون از چین و روسیه و اروپا گرفته تا کانادا و آمریکا در ایران (مملو از منابع نفت و گاز و مواد معدنی و موقعیت سوق الجیشی سرزمین ما)، بسیار بزرگ و برای آنان غیر قابل چشم پوشی ست. پس دشمنان اصلی مردم ما برای حفظ منافع خود و به شکست کشاندن انقلاب و انحراف مسیر آن باید به حيله و یا تاکتیکهای جدیدی متوسل بشوند.

این واقعیتی ست که "بوی حلوای" جمهوری اسلامی امروز بیش از هر زمان دیگری فضای سیاسی را انباشته و همین امر باعث جذب نیروی بسیار بزرگی در داخل و خارج به خیزش انقلابی اخیر شده است. حتی محافظه کارترین اقشار ایرانیان خارج کشور که اصولاً به هر دلیلی در هیچ حرکت اعتراضی مردمی شرکت نمی کردند نیز با امید به نابودی این رژیم به تظاهرات حمایتی در خارج پیوسته اند. اینها استخوانبندی آن نیروی سیالی هستند که امروز رسانه های امپریالیستی با سرمایه گذاری و تبلیغ در صفوفشان زیر شعار فریبنده "اتحاد همه با هم" به سازماندهی شان مشغولند. البته در میان این توده عظیم در خارج از کشور شمار بزرگی از ایرانیان شریف قرار دارند اما نگاه کوچکی به ترکیب آن در کشورهای مختلف نشانگر آن است که از اصلاح طلبان تبهکار دهه ۸۸ و وابستگانشان تا طرفداران رژیم شاهنشاهی و حتی عناصر رژیم تبهکار جمهوری اسلامی نیز همه حضور یافته اند تا زیر علم شعارهایی نظیر "زن زندگی آزادی"، "مرد میهن، آبادی" (که تکرار آن حتی برای بخشهایی از حاکمیت فعلی نیز

امپریالیستی حامی اوست. اما غفلت از بیان حقیقت به توده ها بویژه مردم داخل با هر بهانه ای از آنچه که در خارج و در فضای باصطلاح "دمکراتیک" این کشورها می گذرد، یک خیانت غیر قابل بخشش است. اجازه بدهید به افراد و نیروهائی که با نظرگاه های مختلف در خارج کشور هستند و بویژه به آنها که نیروهای انقلابی را به حل شدن و سیاهی لشکر گشتن در حرکات مورد بحث تشویق می کنند، بگویم که مردم ما یکبار ضربات سهمگین و غیر قابل جبران سیاست "همه با هم" بودن با این توجیه که فعلاً "رفتن شاه مهم است" را در جریان انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ چشیده اند. سیاست "همه باهم" بودن نتیجه اش ریخته شدن خونهای بسیار بر زمین بوده است. بنابراین دوستان و رفقا رنجیده ما! کمی صبر داشته باشید و ببینید که در صورت پیشرفت جنبش انقلابی توده های ما در داخل و قطعی شدن سرنگونی این رژیم آیا این "اتحاد همه ایرانیان" در کمپین فوق پایدار خواهد ماند؟ آیا این سیاست "همه با هم" حداقل ظرفیت و موازین دمکراتیک را برای حفظ نیروهای مبارز در صفوف خود و امکان رساندن صدای آنها را خواهد داشت؟ آیا آنها به نیروهای چپ امکان رساندن صدای خود را به مردم ایران خواهند داد و یا نه اگر گردانندگان این کمپین فعلاً نیروهائی با برچسب چپ را در درون خود بپذیرند، صرفاً به خاطر آن است که کمپین نامبرده تحت سلطه نیروهای راست و ارتجاعی، به وجود و نام چپها در کمپین خود نیازمند است؟

تا آنجا که به هر نیرو و انسان آگاه و مبارز باز می گردد معیار ما خواستهای برحق توده های تحت ستم، کارگران و زحمتکشان، زنان، کودکان کار، قیر خوابان، گرسنگان و بیکاران، خلقهای تحت ستم و تمامی سرکوب شدگانی ست که به زبانهای مختلف فریاد می کشند در فردای جمهوری اسلامی جز "نان، کار، مسکن و آزادی و استقلال" یعنی مولفه های یک حداقل زندگی آزاد و انسانی چیزی نمی خواهند! ما در هر تظاهرات توده ای باید جدا از نفی جمهوری اسلامی شعارهای اثباتی در دفاع از کارگران و زحمتکشان و به نفع یک انقلاب واقعا اجتماعی بدیم. هر نیرویی، به هر بهانه ای مانع از انعکاس این خواستهای اولیه و بدیهی توده ها در جنبشهای حمایتی در خارج کشور شود، نهایتاً سرنوشتی جز به محاق رفتن توسط دشمنان مردم ایران نخواهد داشت. به نظر من آینده بسیار زودتر از آنچه که برخی می اندیشند این حقایق را نشان خواهد داد.

بذرهای ماندگار: با سیاس از شرکت در این گفتگو رفیق چنگیز قبادی فر! پاسخ: من هم از کانال بذرهای ماندگار به خاطر این فرصت تشکر می کنم و به امید پیروزی مبارزات جوانان سلحشور ایران!

شواهد موجود نشان می دهند قدرتی که در انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ به تدریج در میان آلترناتیوهای موجود برای غرب سرانجام در پشت خمینی تبهکار متمرکز شد و عکس او را یک شبه به ماه فرستاد و بر بستر ضعف و فقدان یک آلترناتیو انقلابی بر جنبش حاکم کرد، اکنون در شکلی دیگر دست اندر کار توطئه علیه جنبش انقلابی ماست. آنها دیروز با همه قوا سلطنت را به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی تبلیغ می کردند و البته این آلترناتیو را هنوز کنار نگذاشته اند. اما دنبال پروژه های دیگر هم هستند. در حال حاضر اونها روی تشکل شناخته شده "خانواده قربانیان پرواز ۷۴۷" متمرکز می شوند؛ و برای سازماندهی نیروی خارج کشور و از آن طریق معرفی یک "آلترناتیو متحد کننده" به توده های داخل و نفوذ در جنبش آنها، استفاده می کنند.

های سازشکارانه و رفرمیستی در میان بسیاری از نیروهای به اصطلاح "چپ" و "پیشرو".... در خارج از کشور، در شرایطی که نیروهای متعلق به طبقات و اقشار مختلف در جامعه در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند - که البته این امر در دوره انقلاب کاملاً طبیعی است- بر این امر آگاهم که چنین نیروهائی هم صدا با ارتجاع و البته به سبک و شیوه خودشان، علیه این حرفها هیاهو به راه خواهند انداخت. اما ایمان دارم که جنبش کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانانی که نسبت به چگونگی مطرح کردن خمینی و بر سر کار آوردن او توسط قدرت های امپریالیستی واقفند و با پوست و گوشت خود نتایج وخیم ۴۳ سال حاکمیت یک رژیم تبهکار وابسته و نظام سرمایه داری را لمس کرده و برغم فقدان دسترسی به شبکه تبلیغاتی آزاد و دمکراتیک دشمنان اصلی خویش را می شناسند، با مبارزانشان دیر یا زود پته تمام "آلترناتیو" های غیر مردمی و وابسته را روی آب خواهند ریخت و ماهیت آنها را در پرتو پراتیک خود در صحنه جامعه رو خواهد کرد. همانطور که مبارزات قهرمانانه مردم ما از همان اولین روز پس از روی کار آمدن خمینی جلاد و اعلام "پایان انقلاب" چنین کرد، امروز هم جوانان ما با شعارهای "مرگ بر ستمگر چه شاه باشد چه رهبر" چنین می کنند.

پرسش: به عنوان آخرین پرسش لطفاً اگر صحبتی دارید که می خواهید در آخر با شنودگان کانال تلگرامی بذرهای ماندگار در میان بگذارید، بفرمائید.

پاسخ: حرف آخرم اینه که سیاست یک نیروی انقلابی در این شرایط به هیچ وجه ایجاد تنش با حتی نیروهای ضد انقلابی که در جلوی صحنه این تظاهراتی که ظاهراً فقط علیه جمهوری اسلامی بر پا می شود به شلنگ تخته انداختن مشغولند نیست. درسته که دشمن اصلی ما جمهوری اسلامی و سلطه

اعتراضی اول اکتبر در جهان، که گفتید در ۱۵۰ شهر برگزار شد به هیچ رو به این معنی نیست که قدرت واقعی پشت این کمپین، هم اکنون به طور قاطع آن را به مثابه آلترناتیو احتمالی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی ارائه خواهد داد. چرا؟ چون این به مولفه های بسیاری از جمله درجه تداوم و تعمیق مقاومت جنبش بی تشکل و فاقد رهبری ولی انقلابی کف خیابانهای کشور، و موفقیت کمپین "حامد اسماعیلیون" در حفظ اتحاد تمام نیروهای ضد انقلابی با نیروهای کوتاه بین و دوستان نادان خلق در حرکات خارج کشور و در نهایت ارزیابی و سیاست امپریالیستها از توازن قوای موجود بستگی دارد.

همانطور که می دانیم در مقطع انقلاب سالهای ۵۶-۵۷، دستگاه آلترناتیو سازی امپریالیستها پیشبرد چند طرح همزمان را از "کودنای نظامی" گرفته تا "دولت انتقالی" و بالاخره "جمهوری اسلامی" به پیش میبرد و سرانجام از میان این طرح ها، پروژه جمهوری اسلامی مناسب ترین بدیل بعد از شاه برای در هم شکستن انقلاب توده ها و حفظ نظام سرمایه داری ایران شناخته شد. اکنون نیز با تداوم بحران و احتمال سرنگونی این رژیم طرحهای مختلفی از سوی دشمنان مردم ما روی میز قرار میگیره و آنها تلاش می کنند که با تحول شرایط و در صورتی که در مقابل قدرت انقلابی توده های ما نتوانند جمهوری اسلامی را همچنان در قدرت نگه دارند، یکی از آلترناتیوهای مورد نظر خودشان را به جنبش انقلابی توده ها غالب سازند. چرا که باید توجه کرد هدف اصلی امپریالیستها حفظ نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما و ارتش ضد مردمی به هر قیمتی حتی به قیمت تن دادن به تعویض رژیم سیاسی ست.

نکته دوم آنکه، حمایت آشکار ارتجاعی ترین بلندگوهای تبلیغاتی وابسته و امپریالیستی از تظاهرات سراسری منتسب به "حامد اسماعیلیون" و شبکه روابط او ست که اینروزها به شدت خشم رضا پهلوی - این نوکر شناخته شده امپریالیستها و طرفدارانش- در خارج را هم برانگیخته و باعث به حاشیه رفتن آنها شده، موضوع اصلی روی شخص حامد اسماعیلیون نیست. بحث اصلی اکنون بر سر قدرت و امکانات و سرمایه گذاری وسیعی ست که دستهای پشت پرده و محافل امپریالیستی برای اهدافی مغایر با خواستهای واقعی مردم به پا خاسته ما در پشت یک فرد و یک نام متمرکز کرده اند.

من مایلیم یک مساله مرتبط با این قضیه رو هم بهش اشاره کنم. با توجه به شرایط بحرانی کنونی و قدرتهای مختلفی که در جنگ کنونی در صحنه سیاسی کشور ما مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند و همچنین به خاطر نفوذ استخوان سوز ایده

خیزش اخیر تداوم یافت و به قول معروف سر باز ایستادن ندارد. یکی دیگر از ویژگی های این جنبش بزرگ حضور وسیع توده های ستمدیده در میدان مبارزه است، توده هایی که جمهوری اسلامی آنها را در فقر مرداب فقر و گرسنگی قرار داده است.

همچنین یکی دیگر از ویژگی این جنبش، حضور جوانان بی باک و جسوری است که در همین جمهوری اسلامی متولد شدن و رشد کرده اند و حال همه ارزش های این رژیم را زیر پا له می کنند و با فریاد هایشان نشان می دهند که برای ایدئولوژی و باورها و تبلیغات جمهوری اسلامی پیشیری ارزش قائل نیستند. بی جهت نیست که مثلا اگر در قیام دیماه ۹۶ شنیده می شد که گاه بخشی از توده ها خشم انقلابی خودشان را با فریاد "الله اکبر" بیان می کردند، در این خیزش شما شعار "الله اکبر" را نمی شنوید. همچنین باید تاکید کنم که در این میان دختران جوان در تقابل با حجاب اجباری رژیم با به آتش کشیدن روسری هایشان حجاب اجباری و گشت ارشاد حافظ آنرا به مسخره گرفته اند و از این لحاظ نقشی بزرگ در این جنبش واقعا دارند ایفا می کنند. گرچه در خیزش های قبلی توسل به قهر انقلابی امری غیر قابل انکار بود اما در خیزش انقلابی اخیر از همان آغاز ما شاهد استفاده جوانان

از کوکتل مولوتف بودیم. نگاهی به فیلم های زیادی که از این حرکت انقلابی از شهر های مختلف در شبکه های اجتماعی پخش شده بروشنی نشان می دهد که چطوری جوانان با به آتش کشیدن وسائل نقلیه نیرو های سرکوب رعب در دل مزدوران رژیم می اندازند، به کلانتری ها، به فرمانداری ها و دفاتر امام جمعه ها و کلا به همه مراکز سرکوب و ستم حمله می برند. یا می بینیم که مردم ضمن حمله به ارادل و اوپاش حکومتی یاران دستگیر شده خودشان را نجات می دهند، امری که نشان می دهد توده های ما از خیزش های قبلی به خوبی درس گرفته اند. یکی دیگر از برجستگی های این خیزش همانا انعکاس وسیع آن در سطح جهانی است. برخلاف قیام های دی ۹۶ و آبان ۹۸ که رسانه های خارجی به هر ترتیب سعی در کتمان شدت و حدت آن قیام ها داشتند، این بار رسانه های خارجی در سطح جهان آن را تا حدی منعکس کردند. در این میان خیزش انقلابی کنونی همبستگی وسیعی را در سراسر جهان به دست آورده است. تقریبا در خیلی از کشورها جدا از تظاهرات های حمایتی ایرانیان شاهد ابراز همبستگی اهالی کشورهای مختلف با انقلاب کنونی مردم ایران هستیم که البته سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با آن وقاحت ذاتی شان آنرا اغتشاش عده قلیلی فریب خورده جلوه می دهند. برای اینکه فرصت



ملاحظات در باره جنبش توده ها!

گفتگوی کانال بذرهای ماندگار با رفیق فریبرز سنجری

انداخته به سلطه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی. همچنین گرامی بدارم خاطره ژینا(مهسا)امینی را که مرگش در چنگال جنایتکاران حاکم آتش به انبار باروت خشم توده ها زد و نامش با این جنبش بزرگ در آمیخت. همچنین یاد تک تک زنان و مردانی را گرامی می دارم که جان بر کف وارد کارزار خونین اخیر شدند و با خونشان پرچم انقلاب مردم ستمدیده ما را سرخ تر از همیشه نمودند.

در پاسخ به پرسش شما قبل از هر چیز باید بگویم که خیزش شهریور امسال که تا حالا بیش از سه هفته از آن می گذرد که هنوز ادامه داره و دانشجویان فریاد می رنند که "بهش نکید اعتراض، اسمش شده انقلاب" بر عکس مثلا سال ۸۸، آن خیزش بزرگ سال ۸۸، از همان لحظه اول نابودی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته و فریاد می زد. شعار هائی چون "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، یا "جمهوری اسلامی نمی خواهیم" که در همه جا و در همه شهر ها هم سر داده شد، درست بیانگر همین واقعیت است. در جنبش انقلابی اخیر توده های بیباخته و از جمله جوانان جسور نشان دادند که تحقق مطالباتشان را در نابودی تمامیت رژیم حاکم می بینند.

اگر مورد دیگری را بخواهم بگویم یکی دیگر از ویژگی های جنبش اخیر سرعت انتشار آن و سرعت سراسری شدنش بود. دیدیم که چگونه تجمعات اعتراضی اولیه در مقابل بیمارستان کسری تهران جائی که ژینا امینی در ۲۵ شهریور در آنجا درگذشت و سقز شهر محل تولد وی با چه سرعتی ابعادی سراسری به خودش گرفت. مهمتر این که برغم همه جنایات و سرکوبگری های نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی و وحشیگری هائی که در خیابانها از خودشان بروز دادند از جمله شلیک با تفنگ های ساچمه ای به سوی مردم،

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: با درود های گرم به شنوندگان کانال "بذرهای ماندگار" کانال تلگرامی چریکهای فدائی خلق ایران.

اکنون بیش از سه هفته از زمانی می گذرد که شعله های آتش خشم فروخته مردم ستمدیده ما، زمین را زیر پای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به لرزه در آورده است. توده های رنج دیده ما دست به یک جنبش انقلابی زده اند که در بستر آن نظرات و ایده های مختلفی مطرح شده و سئوالاتی را هم به همراه آورده است. برخی از این سئوالات را با رفیق فریبرز سنجری از مسئولین چریکهای فدائی خلق ایران در میان گذاشتیم تا شنوندگان کانال بذرهای ماندگار بیشتر در جریان مواضع چریکهای فدائی خلق قرار بگیرند.

پرسشگر: با درود به رفیق سنجری و با سپاس از این که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید.

رفیق سنجری: تشکر از شما که چنین گفتگوهایی را ترتیب می دهید.

پرسش: رفیق سنجری همان طور که می دانید این روز ها انقلابی بزرگ ایران را فراگرفته و در خیلی از شهرهای ایران ما شاهد حضور زنان و مردانی هستیم که ضمن سر دادن شعارهائی مبنی بر نابودی جمهوری اسلامی، با شجاعت تمام به جنگ با نیروهای مسلح این رژیم مشغولند. شما در کل، برجستگی های انقلاب کنونی را در چه می بینید؟

پاسخ: بگذارید قبل از هر صحبتی درود بفرستم به زنان و مردانی که با تهور و جسارت واقعا ستایش انگیز بیباختند و با شعارهای رادیکالشان نابودی تمامیت جمهوری اسلامی را فریاد می زنند. در خیابانهای شهرهای مختلف فریاد می زنند. و فریادهای خشمگینانه شان لرزه

برای پاسخ به بقیه پرسش ها هم باقی بماند فعلا به همین حد اکتفاء می کنم.

پرسش: مرسی از شما. رفیق عزیز شما از نقش زنان و دختران در این انقلاب گفتید با تکیه بر همین واقعیت برخی انقلاب کنونی را "انقلابی زنانه" جلوه می دهند آیا اساسا چنین توصیفی را درست می دانید؟

پاسخ: ببینید. با اینکه نقش بزرگ و پر اهمیت زنان در این خیزش واقعیت غرور آفرینی است و ما اساسا معتقدیم که بدون حضور زنان هیچ جنبش توده ای بزرگی میسر نیست و امکان نداره و با اینکه برابری حقوق زن و مرد را در راس مطالبات انقلاب قرار می دهیم، اما معتقدیم که انقلاب برپا شده کار همه توده ها است و زنان در هر جامعه ای تنها نیمی از این توده ها را تشکیل می دهند. به همین دلیل هم بر این باوریم که چنین نام گذاری هائی همه واقعیت های جامعه را بیان نمی کند. تازه زنانه خواندن انقلاب ایران، به واقع بر روی نقش مردانی که جان بر کف در کف خیابانها با رژیم در ستیزند سایه می اندازد. اما مهمتر از این حرفها جامعه طبقاتی را باید با طبقات موجود در آن جامعه تقسیم بندی کرد و شناخت نه با جنسیت زن و مرد.

اصولا طبقات در یک جامعه مشخص در چهارچوب شیوه تولید حاکم حیات پیدا می کنند و همین واقعیت موقعیتشان را در انقلاب آن جامعه مغروض تعیین می کند. برای نمونه در جامعه سرمایه داری حاکم بر ایران این کارگران و افشار گوناگون خرده بورژوازی هستند که در مقابل سرمایه داران وابسته صف بسته اند و بدون مبارزات آنها اساسا امکان رهایی از نظم ظالمانه موجود مهیا نمی شه، میسر نمیشود. به همین دلیل هم ما امر رهائی زنان را در پیروزی انقلابی می بینیم که تحت رهبری طبقه کارگر بتواند نظام سرمایه داری را نابود کنه و راه رسیدن به جامعه ای عاری از ظلم و ستم که برابری انسانها در آن تضمین شده باشد، را هموار کنه.

از سوی دیگر و مهمتر اینکه چنین نامگذاری هائی مطالبات کارگران و ستمدیدگان را کنار زده و هدف انقلاب را در حد مطالبات زنان محدود می کند. بنابراین با این نام گذاری همیشه توافق داشت و به همین دلیل هم ما با اون توافقی نداریم و معتقدیم که نباید فریب تبلیغات رسانه های غربی را خورد که آگاهانه در خیزشی که می پذیرند و خودشون هم گزارش می دهند که "خود جوش" و "بدون سازمانه" از رهبری زنان و انقلاب زنانه سخن می گویند تا ریشه های طبقاتی این حرکت بزرگ را مخدوش کنند. فکر کنم که تا این حد، پاسخ به سوال شما را داده باشم.

در باره حضور این دار و دسته معلوم الحال (سلطنت طلبان) که برخی از آنها هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت کشتار کمونیستها سخن می گویند باید خیلی روشن هر گونه همکاری با آنها را محکوم کرد. به باور ما کمونیستها اگر می خواهند بر باورها و آرمانهای کمونیستی خودشون پایبند بمانند و اعتماد کارگران و ستمدیدگان را بسوی خود شون جلب کنند مجاز به همکاری با این دار و دسته ضد انقلابی نمی باشند. واقعیت این است که رضا پهلوی هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت همکاری با ارتش و سپاه پاسداران سخن می گوید و انکار هم نمی کند که اگر به قدرت برسد برای حفظ قدرت به همین نیرو های سرکوبگر متکی خواهد بود. روشن است که به فرض قدرت گیری آنها چه آینده ای در انتظار ایران و مردم مبارز و ستمدیده آن می باشد.

پرسش: بله . مرسی. برغم اینکه در جنبش داخل مردم فریاد می زند "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" اما در خارج از کشور داریم می بینیم که به اعتبار تبلیغات رسانه های امپریالیستی سلطنت طلبان فعال شده اند و در هر تظاهراتی سعی می کنند با پرچم ها و عکس های خاندان پهلوی خود شون را در حقیقت به بقیه تحمیل کنند. ارزیابی شما از این نیرو و شیوه برخورد با آنها چیست؟

پاسخ: ببینید. سلطنت موضوع ناشناخته ای برای مردم ما نیست. قبل از جمهوری اسلامی نزدیک به ۵۷ سال خاندان پهلوی در ایران سلطنت کرده اند. در تمام این سالها هم تنیدگی سلطنت با قدرتهای امپریالیستی امر آشکاری بوده است. تاکید کنم که در حافظه تاریخی ایرانیان چه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (۲۲ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) که به قدرت گیری رضا خان میر پنج انجامید و چه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اگوست ۱۹۵۲ میلادی) که محمد رضا شاه را به قدرت برگرداند هردو توسط امپریالیستها سازمان یافته بودند. اولی توسط انگلستان و دومی توسط آمریکا و انگلستان . به همین دلیل هم کسی در واقعیت آلترناتیو امپریالیستی بودن سلطنت شکی ندارد یعنی نمی تواند داشته باشد اگر نخواهد پا روی واقعیت بگذارد. به خصوص که چند سال پیش اسنادی رو شد که در این اسناد از کمک مالی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به رضا پهلوی خبر می داد. به هر حال برای کسانی که دوران شاه را به عینه دیده اند و یا در باره آن (دوران) مطالعه کرده اند در وابستگی سلطنت به امپریالیسم شکی وجود ندارد. با توجه به این واقعیات علت دو باره فعال شدن سلطنت طلبان هم کاملا روشن است. چون آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی مدتهاست که بر جثه نحیف آنها باد می کنند. تا هر وقت نیاز داشتند بتوانند از آنها استفاده کنند البته نباید فراموش هم کرد که در خود جمهوری

اسلامی هم سالهاست که برای آنها تبلیغ می شود . مثلا زیبا کلام یکی از مدافعین رژیم جمهوری اسلامی که استاد دانشگاه هم هست در دانشگاه یعنی در کلاسهای درسش همواره از رضا خان قلدر تعریف و تمجید می کرد و یا هنوز هم میکند. اخیرا هم رو شد که این شعار "رضا شاه روح شاد" را سپاه پاسداران در برخی تظاهرات ها اشاعه می داده است. تبلیغ برای آنها-این هم مهمه که من رویش تاکید کنم که- به مفهوم البته بر سر کار آوردن آنها نیست. یعنی این طور نیست که تا اینها یک نیروی را تبلیغ کردند می خواهند فردا فوری بیاورندش سر کار، چرا که امر انتخاب جایگزین برای جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها به شرایط مشخص لحظه سرنوشتی این رژیم منوط می شود. امری که البته می توان در جای خودش به آن پرداخت اگر ضرورت داشت باید این کار را کرد. اما به باور ما رشد جریانات سلطنت طلبان وابسته است به حد حمایت امپریالیسم آمریکا و شرکایش از این دار و دسته . هر وقت این پشتیبانی بیشتر و زیاد تر می شود حضور این جماعت هم در فعالیت های خارج کشور فزونی می گیرد و هر زمان الزامات سیاست های امپریالیستها باعث می شود که به آنها کمتر پرداخته شود حضور آنها هم کاهش پیدا می کند. واقعیتی که وابستگی عریان آنها را به امپریالیسم این دشمن خلقهای ما را هر چه بیشتر آشکار می کند. شما اگر نگاهی به برنامه های رسانه هائی چون "من و تو" و "ایران اینترناشنال" و یا "بی بی سی" بیندازید این پشتیبانی را به آشکاری خواهید دید. و اگر به سیاستهایی که تظاهرات اول اکتبر (۹ مهر ۱۴۰۱) در خارج از کشور در شهرهای دهها کشور که در آنجا این تظاهرات ها شکل گرفت هم نگاه کنید می بینید که این تظاهرات توسط سلطنت طلبان شکل نگرفته بود، خود این امر هم نشان می داد که قدرتهای غربی با کارت های مختلفی دارند بازی می کنند.

اما در باره حضور این دار و دسته معلوم الحال که برخی از آنها هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت کشتار کمونیستها سخن می گویند باید خیلی روشن هر گونه همکاری با آنها را محکوم کرد. به باور ما کمونیستها اگر می خواهند بر باورها و آرمانهای کمونیستی خودشون پایبند بمانند و اعتماد کارگران و ستمدیدگان را بسوی خود شون جلب کنند مجاز به همکاری با این دار و دسته ضد انقلابی نمی باشند. واقعیت این است که رضا پهلوی هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت همکاری با ارتش و سپاه پاسداران سخن می گوید و انکار هم نمی کند که اگر به قدرت برسد برای حفظ قدرت به همین نیرو های سرکوبگر متکی خواهد بود. خوب با توجه به این واقعیت که اینها نه می خواهند نظام سرمایه داری حاکم را دست بزنند و نه به ارگانهای سرکوب موجود کاری دارند و اساسا فرض قدرت گیری

کردند. گر چه برعم این واقعیتها باز هم کسانی زیر پوشش "همه با هم همکاری با این مرتجعین را توجیه می کنند که البته امر نادرست و مضری ست برای جنبش ما.

پرسش: شما از تر رسوای "همه با هم" صحبت کردید. لطفاً برای بازدیدکنندگان کانال بدر های ماندگار این تر را اگر ممکنه بیشتر توضیح بدهید؟

پاسخ: حتماً. اتفاقاً فکر می کنم که سوال خیلی خوبیست چون توضیح این تر در شرایط کنونی را ضروری می دانم. به خصوص که خیلی از جوان هایی که امروز در صحنه مبارزه هستند نتایج این تر را و عواقب خیلی بد آنرا در سال ۱۳۵۷ به عینه ندیده اند. این تر در انقلاب مردم ما تاریخ خاص خودش را دارد. به همین دلیل هم بهتره در ابتدا به این تاریخ اشاره کنم. در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ وقتی امپریالیستها جهت کنترل مبارزات مردم و اینکه سلطه خودشون را از زیر یورش مردم در بیاورند و نجات بدهند و نظام سرمایه داری را حفظ بکنند، شروع کردند به دفاع از خمینی. به عنوان یکی از آلترناتیو های مورد نظرشون. آن موقع ساواک شاه اجازه داد که عکس بزرگی از خمینی که اگر اشتباه نکنم در روز نامه اطلاعات درج بشود. خمینی در سال ۱۳۴۲ علیه دیکتاتوری شاه حرفهایی زده و تبعید شده بود. برای نسل جوانی که در آن سالها داشت انقلاب می کرد(ناشناخته بود و) اسم او را هم نشنیده بودند. اما به این شکل او را مطرح کردند و کار به جایی کشید که نام خمینی در تظاهرات ها مطرح شد. وقتی بخشی از روحانیت از حمایت امپریالیستها از خمینی مطمئن شدند طرفداری از وی هم بیشتر شد. بعد، هر چه مبارزات مردم بیشتر ادامه یافت به اعتبار قدرت مالی سرمایه داران داخلی و قدرت تبلیغاتی امپریالیستها مثلاً نمونه اش بی بی سی به تدریج طرفداران خمینی هم بیشتر شدند. کم کم حزب الهی ها شکل گرفتند که یکی از شعارهایشان "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" بود. اینها در آن زمان مبلغ این بودند که شاه دشمن مشترک همه است پس فعلاً فقط باید علیه شاه شعار داد و در باره اینکه در آینده قراره چه رژیمی سر کار بیاید و مطالبات مردم چی میشه نباید چیزی گفت تا به قول آنها در وحدت علیه شاه خللی ایجاد نشود.

بگذارید همین جا تاکید کنم که برای کمونیستها ماهیت و محتوای رژیم جایگزین همیشه از سرنگونی حکومت موجود مهمتر و بیشتره و به همین خاطر هم ما این را باید توجه کنیم که با اینکه ما با همه وجود خواهان نابودی جمهوری اسلامی هستیم اما نمی توانیم نسبت به رژیم جایگزین این دیکتاتوری بی تفاوت باشیم. چون همه بار انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی درست زمانی تحقق پیدا می کند که این سرنگونی به دست کارگران و ستمدیدگان و نه قدرتهای بزرگ و برای جایگزینی دولتی انقلابی که منافع کارگران و ستمدیدگان را برآورده کنه انجام بشود؛ و نه یک رژیم وابسته سرکوبگر دیگر بیاید و قدرت بگیرد و از همان روز اول به چپاول و سرکوب کارگران و ستمدیدگان بطور طبیعی بر خیزد.

جلوگیری کرده و مضراتش را برای آینده جنبش انقلابی مردم ایران توضیح بدهیم. تاکید کنم که متأسفانه برخی با تاکید بر ضرورت اتحاد و یا باتکیه بر تر رسوای "همه با هم" تلاش می کنند همکاری خودشون با نیرو های ضد انقلابی را توجیه کنند.

بگذارید این را هم اضافه کنم که هر چه حمایت های قدرتهای غربی از دار و دسته سلطنت طلب بیشتر و آشکار تر بشود حضور آنها وسیع تر و پرخاشجویانه تر خواهد شد و نیروهای سازشکار هم تمایل بیشتری برای همکاری با آنها خواهند داشت. چون احساس می کنند که اینها دارند به قدرت نزدیک تر می شوند. این روزها سلطنت طلبان به اقدامات پرخاشجویانه متعددی متوسل شدند و سعی در ایجاد اغتشاش در بین نیروهای آزادیخواه دارند. برای نمونه در تظاهرات چندی پیش نیروهای مبارز در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم سوئد تعدادی از همین سلطنت طلبان برای بقیه مزاحمت ایجاد کردند و حتی میکروفن یکی از سخنرانان را هم شکستند. یا در هانوفر آلمان در یکی دو هفته پیش تلاش کردند با پرچم های خود وارد تظاهرات نیروهای مبارز بشوند که البته به آنها چنین اجازه ای داده نشد. همچنین چند روز پیش در تظاهراتی که در پاریس برگزار شده بود به یکی از تظاهرات کنندگان حمله

دو باره شون هم دخالت امپریالیستها می باشد؛ روشن است که به فرض قدرت گیری آنها چه آینده ای در انتظار ایران و مردم مبارز و ستمدیده آن می باشد. یعنی مردمی که به خاطر رسیدن به کار و نان و مسکن و آزادی بپاخاسته اند با قدرت گیری چنین نیرو هائی به هیچ کدام از خواسته های خودشون نخواهند رسید.

بگذارید همین جا در خاتمه تاکید کنم که برای کمونیستها ماهیت و محتوای رژیم جایگزین همیشه از سرنگونی حکومت موجود مهمتر و بیشتره و به همین خاطر هم ما این را باید توجه کنیم که با اینکه ما با همه وجود خواهان نابودی جمهوری اسلامی هستیم اما نمی توانیم نسبت به رژیم جایگزین این دیکتاتوری بی تفاوت باشیم. چون همه بار انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی درست زمانی تحقق پیدا می کند که این سرنگونی به دست کارگران و ستمدیدگان و نه قدرتهای بزرگ و برای جایگزینی دولتی انقلابی که منافع کارگران و ستمدیدگان را برآورده کنه انجام بشود؛ و نه یک رژیم وابسته سرکوبگر دیگر بیاید و قدرت بگیرد و از همان روز اول به چپاول و سرکوب کارگران و ستمدیدگان بطور طبیعی بر خیزد. خوب این معنایش اینه که ما یکبار دیگه شاهد تکرار همان اتفاقاتی خواهیم بود که در انقلاب سال ۵۷ با دسیسه های امپریالیستها و قدرتهای بزرگ پیش آمد و ۴۳ سال است که مردم ما دارند نتایج آن را با فقر و محرومیت و قتل و جنایت تجربه می کنند .

پرسش: خوب شما همکاری با سلطنت طلبان را جایز نمی شمارید پس با آنهایی که حالا برخلاف نظر ما در خارج از کشور وارد صف تظاهرات علیه جمهوری اسلامی می شوند با آنها باید چه برخوردی کرد؟

پاسخ: ببینید یک وقتی در زمان و مکان مشخصی نیروی سیاسی ای فراخوان تظاهرات می دهد و نیرو های مخالف وی هم در همان زمان و مکان برنامه می گذارند. این وضع خیلی مواقع پیش می آید. برای نمونه در تظاهرات های بزرگ سال ۸۸ در خارج از کشور و در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی ما شاهد این وضع بودیم. اما این به معنای همکاری این نیرو ها با همدیگر نیست. آنچه غیر اصولی است همکاری با نیرو های ضد انقلابی است. باید تا جایی که ما توان داریم از چنین همکاری هائی

گزارشی از تظاهرات در وین ادامه از صفحه ۱۵

این تنها راه برای مبارزه مؤثر با دیکتاتوری و سلطنت و ایجاد یک دموکراسی سوسیالیستی است. همچنین یکی از سخنرانان کشورهایی مانند اتریش را که با رژیم های دیکتاتوری تجارت می کنند و به حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کارگران اهمیت نمی دهند، محکوم کرد و اظهار داشت که مبارزه با حجاب اجباری و قانون پوشش اسلامی پیوند تنگاتنگی با مبارزه با کل رژیم و نظام سرمایه داری در ایران و جهان دارد. در این تظاهرات شعارهایی به زبان های آلمانی، فارسی و کردی سر داده میشد از جمله " مرگ بر جمهوری اسلامی"، " مرگ بر دیکتاتور"، " زن، زندگی، آزادی"، " زنده باد اتحاد بین المللی"، و همچنین سرودهای انقلابی پخش شد از جمله سرود "برابری" از جنبش زنان ایران. این تظاهرات تا ساعت ۱۹:۲۰ ادامه داشت و سپس رسماً پایان یافت. اما بعد از پایان تظاهرات گروه های کوچکی از زنان و مردان به صورت چند نفره به سرود خواندن و رقصیدن (کردی) پرداختند. قبل از پایان این تجمع، اعلام شد که تظاهرات بزرگ بعدی در روز شنبه ۸ اکتبر برگزار خواهد شد.

فعالین چریکهای فدایی خلق - وین، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲

گزارشی از تظاهرات در وین

در روز سه شنبه ۲۷ سپتامبر، تظاهرات گسترده ای در حمایت از خیزش مردمی ایران، که به دنبال کشته شدن ژینا (مهسا) امینی توسط دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی در تهران شعله ور شده است، در وین برگزار شد. این تجمع که توسط دو گروه: آلترناتیو سوسیالیست های بین الملل و "Internationale Sozialistische Alternative" فمینیست های سوسیالیست (ژا) " Rosa-Sozialistische Feministinnen" برنامه ریزی شده بود، در ساعت ۵ بعدازظهر در محل میدان حقوق بشر Marienhilferstraße در خیابان "Platz-der-Menschenrechte" صورت گرفت. در تاریخ ۱۳ سپتامبر دختر جوان کرد به نام مهسا امینی توسط ماموران دژخیم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به بهانه رعایت نکردن حجاب اسلامی دستگیر و به ساختمان پلیس امنیت اخلاقی منتقل گشت. به گزارش برادر مهسا که در حین دستگیری همراه وی بوده است و همینطور دیگر شاهدان عینی ماموران از همان ابتدا به شدت به ضرب و جرح مهسا می پردازند و وی را به ماشین گشت سوار می کنند. در پی آن وی سه روز بعد در بیمارستانی در تهران درحالی که در کما به سر می برده بر اثر ضربه مغزی شدیدی که به سرش وارد شده بوده جان خود را از دست داد. این جنایت موجی از خشم و تنفر در میان تمامی انسانهای آزاده نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان بوجود آورده است. با اینکه این اولین بار نیست که زنان در بازداشت یا زیر شکنجه به دست عوامل مزدور رژیم به قتل می رسند با این وجود بعد از رسانه ای شدن این خبر اعتراضات گسترده ای در سراسر شهرهای ایران آغاز شد و این بار در سطحی گسترده تر، تمامی اقشار اجتماعی را به کف خیابانها کشانده است. با انعکاس مبارزات مردمی در داخل کشور این روزها اعتراضات متعددی در سراسر اتریش در همبستگی با جنبش در ایران برگزار شده است. در روز تظاهرات، در ساعت ۱۸ جمعیت تظاهرکننده به طرف ساختمان "مجلس" به راه افتاده و در طول مسیر خشم و نفرت خود از رژیم دیکتاتوری ایران را با سر دادن شعار علیه دیکتاتوری حاکم به معرض نمایش گذاشتند. در این تظاهرات که بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت کرده بودند، برخی فعالان سیاسی و مدنی سخنرانی کرده و نظراتی را مطرح کردند از جمله عنوان کردند که قتل مهسا امینی ادامه همان سیاست های زن ستیزانه و سرکوبگرانه ای است که رژیم اسلامی از زمان روی کار آمدن خود در پیش گرفته است. سخنرانها همچنین با تکیه بر نظرات خود به اهمیت گسترش اعتراضات مردمی از طریق سازماندهی جنبش زنان و پیوند آن با جنبش طبقه کارگر و همچنین ترتیب دادن اعتصابات سراسری اقشار مختلف اجتماعی برای درهم کوبیدن این رژیم ددمنش و سفاک اشاره کردند و تاکید داشتند که رهایی واقعی در ایران تنها با به رسمیت شناختن حقوق گروه ها و ملل مختلف تحت ستم امکان پذیر است.

ادامه در صفحه ۱۴

به همان جایی بیندازد که شایسته آن است یعنی زباله دان تاریخ. تا راه برای نابودی همه استثمارگران و دشمنان مردم ما هموار بشه، این بحث را تمام می کنم.

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار:
خیلی ممنون. به امید اون روز و خیلی متشکر از حضور شما رفیق فریبرز سنجر.

سنجر: پیروز باشید.

مردم بپاخاسته هیچ جایی ندارد. بر عکس چنین نیرو هائی- باید تاکید کنم که بر عکس چنین نیرو هائی - چریکهای فدائی خلق ایران و همه کمونیستها با تاکید بر وحدت همه نیروهای درون صف خلق در مبارزه با دشمن، بر این باورند که باید خط و مرزهای هر نیروی مشخص و آزادی برای نقد و برخورد با آنها وجود داشته باشد؛ و نباید به بهانه "وحدت ایرانیان"، زبان دیگران را برید. مهمتر اینکه وحدت در بین نیرو هائی امکان پذیره که در ساختمان رژیم جانشین خواستها و مطالبات کارگران و ستمدیدگان را با صراحت مورد تأیید قرار داده باشند. برای نمونه در شرایطی که سلطنت طلبان با وقاحت تمام در تظاهراتها و تجمعات خودشون شعار مرگ بر ارتجاع سرخ سر می دهند که تکرار حرف و سخن شاه مزدوره که اون موقع ها هم می گفت "وحدت ارتجاع سرخ و سیاه" چپ ها باید خیلی ساده اندیش باشند که خواهان اتحاد یا همکاری با چنین نیروی مرتجعی باشند که از همین امروز داره ساطور را برای زدن گردن آنها تیز می کنه. فکر کنم که به این سوال تا حدی جواب داده باشم.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: بله

مرسی ازتون. رفیق عزیز با تشکر از شما به عنوان آخرین پرسش اگر موردی هست که می خواهید به این بحثها اضافه کنید لطفا بفرمائید؟

پاسخ: قبل از هر چیز متقابلا از شما تشکر می کنم که این امکان را به وجود آوردید تا برخی از مواضع چریکهای فدائی خلق را من دوباره بیان کنم و تکرار کنم. با حرکت های انقلابی بزرگی که در سراسر جامعه

جاری است بدون شک مسائل گوناگونی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. اما برای جلوگیری از طولانی شدن این بحث که می دانم هر چه طولانی تر بشه در توزیعش مشکل ایجاد میشه پرداختن به بقیه مسائل را موکول می کنم به فرصتی دیگر. با امید به اینکه شعله های آتشی که با خیزش ستمدیدگان و زنان و مردان جوان در ایران جاریه جمهوری اسلامی را

متاسفانه در آن زمان این تر خیلی هم اشاعه پیدا کرد و هر کجا کمونیستها و آزادیخواهان روی مسائل اساسی انگشت گذاشتند و از مطالبات کارگران و توده های دیگر حرف زدند، با تر "همه با هم" منکوب شدند. به این ترتیب با این تر عملا راه برای سلطه مطلق برنامه های دار و دسته خمینی باز شد. در حالیکه یکی از مسائل هر انقلابی بطور طبیعی روشن شدن زوایای مختلف رژیم جایگزین می باشد با این تبلیغات و برخی فریبکاری ها جلوی این امر گرفته شد. یعنی جلوی روشن شدن محتوای حکومت مورد نظر دار و دسته خمینی گرفته شد و راه انتخاب این دار و دسته در کنفرانس گوادلوپ هموار شد. اتفاقا بر عکس تر "همه با هم" برای مردمی که با یک دیکتاتوری لجام گسیخته درگیرند و با اون دارند می جنگند این خیلی مهمه که ماهیت و محتوی اون رژیمی که قراره جانشین این دیکتاتوری بشه روشن باشه و این تنها در بستر آزادی بحث و انتقاد و الزام هر نیروی در بیان خواسته های واقعی توده ها و ارائه برنامه های خودش بطور علنی بین مردمی که امکان پیدا می کنه؛ تا مردم متوجه بشوند که قراره اگر چیزی بره اون چیزی که قراره جایش بیاید چه خصوصیات خواهد داشت. نه اینکه مثل دوره رفراوند ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ آمدند گفتند بین جمهوری اسلامی و سلطنت انتخاب کنید. زنده یاد شاملو همان سالها مطرح کرد که شما یک قوطی را گذاشتید جلوی مردم به اسم جمهوری اسلامی که هیچ کس نمی داند توش چی هست. حالا می گوئید بین این و اون انتخاب کنید. اون رو که مردم می دانستند چیه و علیه اش انقلاب کردند و انداختند این رو نمی دانند. این وضعی است که پیروی از اون تر در اون مقطع به وجود آورد. متاسفانه با رواج این تر همه حقوق بدیهی مردم ما توسط دار و دسته خمینی پایمال شد و امپریالیست ها و سرمایه داران داخلی توانستند انقلاب مردم ما در سال ۵۷ را به شکست بکشانند. من با توجه به این تجربه از نادرستی تر "همه با هم" و رسوائی آن صحبت کردم. تجربه نشان داده که برنامه های هر نیروی سیاسی باید با روشنی در مقابل دید مردم قرار بگیرد و همه امکان داشته باشند زوایای مختلف این برنامه را به بحث و گفتگو بگذارند.

یک زاویه دیگه هم باید من رویش تکیه کنم، مردم ما باید بدانند که نیرو هائی که برای رسیدن به قدرت چشم به حمایت آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی بسته اند اگر روزی هم به قدرت برسند در شرایط سلطه آنها از آزادی و دموکراسی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی خبری نخواهد بود. اتفاقا همین ها هم امروز دو باره مدافع تر "همه با هم" شدند. در اوضاع و احوال کنونی که مردم تو خیابان هستند و تظاهرات می کنند در خارج از کشور هم ما شاهد طرفداری اینها از این تر هستیم. چون خودشون هم می دونند که در برنامه هایشان خواستها و مطالبات

سخنی با نیروهای مبارز در خارج از کشور!

(در باره "تظاهرات بزرگ" ۲۲ اکتبر ایرانیان در برلین)

هجوم وحشیانه اخیر مأموران جنایتکار جمهوری اسلامی به زندان اوین و به گلوله بستن زندانیان بی دفاع، بیانگر اوج وحشیگری و رذالت این رژیم می باشد. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با نیروهای مسلح موجود که پاسدار نظام سرمایه داری عمر به پایان رسیده در ایران است با ارتکاب به چنین جنایتی تنها وحشت خود از نیروهای آگاه و انقلابی جامعه را به نمایش گذاشت؛ وحشت از نیروهائی که وسیعاً آنها را دستگیر و به زندان افکنده است تا جنبش توده ها را از وجود روشنفکران انقلابی و عناصر آگاه جامعه محروم سازد.

واقعیت این است که امروز در ایران یک جنگ داخلی جریان دارد. از یک طرف طبقات فرودست و ستم دیدگان علیرغم همه سرکوب های بسیار خونین و کشتارهای همه روزه نیروهای مسلح وحشی جمهوری اسلامی همچنان در میدان مبارزه هستند و از طرف دیگر جمهوری اسلامی به

نماینده گی از امپریالیستهای خونخوار و سرمایه داران حاکم بر جامعه ما، با به گلوله بستن زن و مرد و کودک در خیابان و مدرسه و دانشگاه و غیره و با به وجود آوردن حمام های خون در نقاط مختلف ایران، از زاهدان و سنجیدگرفته تا کرمانشاه، نشان می دهد که برای حفظ سلطه خود و سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران، از هیچ جنایتی فروگذار نیست. با اینهمه جنبش انقلابی توده های پر خشم و کین نیز که علیه وضع غیرقابل تحمل موجود می جنگند، سر باز ایستادن ندارد. چنین است که این انقلاب هر سرنوشتی پیدا نکند نظام استثمارگرانه حاکم را که عامل همه بدبختی ها و جنایت هاست به سرنوشت محتوم خود که همانا مرگ است، نزدیک تر می کند.

در چنین شرایطی شکی نیست که نیروهای مبارز و دلسوز توده های انقلابی و تحت ستم ایران در خارج از کشور وظیفه دارند به هر ترتیب ممکن از مبارزات مردم انقلابی ایران دفاع کرده و ضمن افشای جنایات جمهوری اسلامی صدای ستمدیدگان ایران را به گوش جهانیان برسانند؛ و تاکنون نیز با تلاش های خستگی ناپذیر خود قدم های مثبتی در این جهت برداشته و موفقیت هایی کسب کرده اند. حال، این نیروها با تظاهرات ترتیب داده شده در ۲۲ اکتبر سال جاری در برلین مواجه هستند. برخورد و موضع درست در رابطه با این تظاهرات چه می تواند باشد؟

واقعیت این است که قدرت های امپریالیستی ضمن حفظ ظاهر مخالفت با جمهوری اسلامی، دست به کار شده اند تا اگر قدرت مردم در جنگ جاری در کف خیابانها به حدی برسد که دیگر نتوانند جمهوری اسلامی را همچنان سر کار نگاه دارند، آلترناتیو خود را از هم اکنون تدارک ببینند. آنها سالها برای سلطنت تبلیغ کرده بودند ولی امروز به ورشکستگی تبلیغات خود در میان توده های به پا خاسته پی برده اند. به خصوص که شاهد هستند که توده های دلاور و آگاه ایران با ریخته شدن خون خود در خیابانها فریاد می زنند "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر". بر این اساس آنها بدون آن که دست از این جرثومه جنایت و پستی بردارند، همزمان در حال ارزیابی و کار روی طرح های دیگری برای حفظ منافع کوتاه مدت و دراز مدت خویش هستند. در همین رابطه است که ما شاهدیم که برخی قدرتهای امپریالیستی حال دست خود را در پشت شخصی به نام حامد اسماعیلیون گذاشته اند. این شخص، پیش از آن که همسر و فرزندش را در جریان شلیک جنایتکارانه جمهوری اسلامی به هواپیمای اوکراین از دست بدهد در هیچ مبارزه مستقیم سیاسی علیه جمهوری اسلامی شرکت نداشت و پس از فاجعه ساقط کردن هواپیمای اوکراینی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هم با صراحت بر سیاسی نبودن حرکت و کمپین دادخواهی اش تاکید می کرد. اما قدرتهائی که نقشه به شکست کشاندن انقلاب مردم ما را دارند از حسن توجه عموم به وی به خاطر داغدار بودنش استفاده کرده و سعی دارند سیاست های شوم خود را علیه مردم تحت ستم ما از جمله از طریق حرکتی که زیر نام وی سازمان یافته به پیش ببرند. در همین رابطه ما شاهدیم که مدت کوتاهی پس از آغاز و تشدید جنبش توده ای در داخل کشور، مجموعه ای از امکانات وسیع مالی و لجستیکی و شبکه ای از روابط شناخته شده و ناشناخته در صدها شهر از کشورهای کانادا و آمریکا گرفته تا کشورهای اروپایی و آسیایی و استرالیایی و ... در خدمت تبلیغ برای او و فراخوانهای تجمع و اظهاراتش قرار گرفته اند.

اکنون که دست امپریالیستها در پشت حامد اسماعیلیون قرار گرفته و تقریباً همه رسانه های امپریالیستی هم به نفع وی تبلیغ می کنند، نیروهای ضد انقلابی موجود در صف اپوزیسیون هم به خط شده و دست به کار ترتیب تظاهرات در این یا آن شهر در

خارج از کشور برای وی گشته اند که "تظاهرات بزرگ" ۲۲ اکتبر در برلین یکی از آنهاست.

تاریخ نشان داده است که دشمنان قسم خورده استثمارشوندگان و مردم تحت ستم یعنی ضد انقلاب، بدون یاری نیروهای بینابینی و متزلزل قادر به پیشبرد اهداف پلیدشان در جهت حفظ وضع موجود نیستند. امروز هم شاهدیم چنین افراد و نیروهائی که خود را طرفدار مردم انقلابی ایران می دانند، بدون توجه به این که سازماندهندگان و مبلغین این تظاهرات چه کسانی هستند و چه

هدفی از این کار تعقیب می کنند، با زیر پا گذاشتن تجارب منفی انقلاب سال ۵۷ که به قیمت خون یاران و جانهای شیفته بسیاری به دست آمده، به جمع "همه با هم" می پیوندند. این نیروها با هر ادعائی که دارند و برغم آنکه حتی گاه خود را مدافع کمونیسم و سوسیالیسم هم می خوانند آماده می شوند که در تظاهرات ۲۲ اکتبر شرکت کنند بی آن که آگاه باشند که با این کار تنها به کسب و کار یک جریان غیر مردمی رونق می دهند و شرکتشان در خدمت پیشبرد اهداف دشمنان مردم قرار خواهد گرفت. اینها تصور می کنند همین که با شاهی ها و یا برخی از نیروهای رسوای شناخته شده در جنبش مرزبندی می کنند می توانند صف مستقل داشته باشند، در حالی که وقتی خود را در زیر چتر یک نیروی ضد انقلابی دیگر قرار می دهند، هر چقدر هم فریاد مستقل بودن سر دهند در عمل جز تبدیل شدن به سپاهی لشکر ترتیب دهندگان آن تظاهرات کاری انجام نمی دهند؛ و این نیروی پشت حامد اسماعیلیون است که از حضور آنها به سود تبلیغات خود سود خواهد برد. روشن است که در اینجا بحث بر سر یک "شخص" نیست. بحث بر سر یک سیاست ضد انقلابی ست که نیروهای درون جنبش باید نسبت به آن حساسیت نشان داده و موضع مردمی در قبال آن اتخاذ کنند.

اتفاقاً خیلی از این نیروها تجربه انقلاب ۵۷ را دارند و می دانند کدام قدرت های جهانی با نام خمینی جنبش "همه با هم" به راه انداخته بودند و چگونه نیروهای سازشکار و مماشات طلب که دلشان صرفاً به رفتن شاه خوش بود به آن "جنبش" پیوستند و هرگز متوجه نشدند که آن قدرت ها چه آینده تاریکی برای مردم رنجیده ما تدارک می بینند. امروز هم اینها آگاهانه یا نا آگاهانه، صرفاً به رفتن جمهوری اسلامی فکر می کنند و کاری ندارند که دشمنان اصلی مردم دارند با اقداماتی از جمله از طریق برپائی چنین تظاهرات متمرکزی _ که یکی از اهداف بر پا کنندگانش بسیج هر چه وسیعتر نیرو و نمایش قدرت می باشد _ در جهت



تحقق چه هدف شوم و خطرناکی برای مردم ما عمل می کنند .

اسلامی و دیگر دشمنان مردم به دست آورده اند می توانند نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف انقلاب جاری ایفاء کنند. لذا در شرایط ملتهب کنونی و در گیر و دار یک جنگ آشکار بین کارگران و خلقهای تحت ستم ما با دشمنانشان نیروهای مردمی وظیفه دارند با پژواک صدای کارگران و ستمدیدگان و انعکاس مطالبات کارگران، زنان، خلقهای تحت ستم و تمامی توده های تحت ستم، با هر آنچه در توان دارند از خیزش مردم پشتیبانی کنند و افکار عمومی جهان را نسبت به انقلاب ایران، خطرانی که این انقلاب را تهدید می کند و دسیسه های قدرتهای بزرگ آگاه سازند.

**جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان
نوکر غارتگران نابود باید گردد!
نان کار مسکن آزادی استقلال!
هیچ جامعه ای بدون آزادی زنان، آزاد
نیست!
با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران
۱۸ اکتبر ۲۰۲۲ برابر با ۲۶ مهر ماه
۱۴۰۱**

واقعیت این است که دشمنان مردم ما با همراهی نیروهای ایرانی ضد انقلابی در حال آلترناتیو سازی هستند تا اگر در مقابل قدرت توده های سلحشور و جان بر کف ایران، قادر به حفظ رژیم جمهوری اسلامی نبوند، پیشاپیش آماده سازی لازم را کرده باشند. این واقعیتی است که توجه به آن و استفاده از تجارب گذشته که باید چراغ راه آینده باشد می تواند نیروهای ناآگاه را نسبت به چگونگی برخورد خود نسبت به تظاهرات ۲۲ اکتبر تحت نام حامد اسماعیلیون، رهنمون شود.

جالب است که خیلی از نیروهای متزلزل مورد بحث که قصد شرکت در تظاهرات مزبور را دارند، تا چندی پیش، مردم یا نیروهای چپ را سرزنش می کردند که چقدر ناآگاه بودند که متوجه ماهیت خمینی و جمهوری اسلامی اش نشدند! تازه، آنها فراموش می کنند که خمینی در آن زمان بر خلاف حامد اسماعیلیون، روزگاری (با هر انگیزه و هدفی) علیه دیکتاتوری شاه مبارزه کرده و سخن گفته بود و به همین دلیل هم به عراق تبعید شده و در میان بخشی از مردم نا آگاه، نیروی "مترقی" تلقی می شد. امپریالیستها هم درست با توجه به چنان سابقه ای دست خود را در پشت وی قرار دادند. اما وقتی این مهره برگزیده امپریالیستها به قدرت رسید مردم دیدند که با چه دیو بد سیرت و جنایتکاری مواجه هستند. حال با وجود چنین تجربه ای این نیروها که سالها علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده و خیلی از آنها داغدار و زخم خورده از این رژیم هستند، نشان می دهند که نمی خواهند از تاریخ بیاموزند و با زیر پا گذاردن تجارب و واقعیات عینی باز می خواهند به دنبال نیرو یا شخص دیگری که مورد پشتیبانی دشمنان مردم واقع شده روان شوند. البته روی این نکته باید تأکید کرد که حامد اسماعیلیون الزاماً آلترناتیو قطعی امپریالیستها نیست. بلکه دشمنان فعلاً به قول معروف با این کارت نیز بازی می کنند تا هدف شوم خود در فریب نیروهای جنبش را پیش ببرند.

این واقعیت انکار ناپذیری است که نیروهای مبارز و دلسوز توده های رنجیده ایران در خارج از کشور با توجه به تجارب مثبت و منفی که در طول سالها مبارزه علیه جمهوری

گزارشی از یک حرکت اعتراضی در استکهلم سوئد

روز یکشنبه ۱۶ اکتبر، ساعت دو و نیم بعد از ظهر در میدان "مدبوريا پلاتسن" استکهلم تظاهراتی در پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران و اعتراض به جنایات وحشیانه جمهوری اسلامی در سرکوب این مبارزات برگزار گردید. این تظاهرات با شرکت جمعی از نیروهای کمونیست و انقلابی برگزار شد.

حدود ۱۲۰ نفر در این آکسیون شرکت داشتند و حرکت با سرود "خون ارغوانها" شروع شد. با توجه به شورش و آتش سوزی در زندان اوین و کشته شدن تعدادی از زندانیان به دست دژخیمان جمهوری اسلامی، تظاهر کنندگان شعار می دادند "اوین غرق خونه رژیم سرنگونه" همچنین شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "این رژیم ضد زن نابود باید گردد" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" نیز سر داده شد.

در جریان این تظاهرات تعدادی از رفقا مبادرت به سخنرانی نمودند که بیشتر سخنرانی ها با درود بر زندانیان سیاسی و پشتیبانی از استقامت و پایداری مردم آغاز شد. برخی از سخنرانان با تکیه بر این خبر که خانواده های زندانیان اوین نمیتوانند با عزیزانشان تماس بگیرند و در شرایطی که آتش سوزی زندان جان آنها را به خطر انداخته است، مهم ترین مسئله را دفاع از جان این زندانیان عنوان کردند. آنها خواهان دفاع از حقوق و آزادی زندانیان در شرایطی که فرزندان مردم زیر شکنجه های دژخیمان قرار دارند، شدند. در برخی از سخنرانی ها گفته شد که در شرایط فعلی زنان و جوانان انقلابی با مبارزاتشان خواب را از چشم مزدوران رژیم ربوده اند و مبارزات آنها به ویژه مبارزات زنان بر مبارزات زنان لبنان، عراق و سوریه و کل منطقه تأثیر گذاشته است. یکی دیگر از سخنرانان که یکی از اهالی کردستان عراق بود مطرح نمود: دولت جمهوری اسلامی کشور عراق را به خانه ترور و جنایت خودش بدل کرده و امروز مبارزات علیه رژیم ایران، جهانی شده و حضور جمهوری اسلامی در لبنان، عراق، سوریه نماد استبداد و استثمار وحشیانه است.

سخنران دیگری تأکید داشت که یک ماه از مبارزات خونین خلق می گذرد. کل جامعه را یک خروش انقلابی فرا گرفته تا جایی که رئیس قوه قضائیه ملتمسانه از مردم به پا خاسته تقاضای گفتگو می کند؛ و این انعکاس شکست رژیم حاکم است. باید درود گفت به آنهایی که با هزینه کردن جانشان در مدارس، دانشگاه ها، کارخانه، بازار و خیابانها یک تحول و جنبش انقلابی را بوجود آورده اند که می خواهد جامعه را زیر و رو کند، تحولی که در صورت وجود رهبری طبقه کارگر در جریان خود، می تواند به یک انقلاب کارگری که تحول اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را موجد می گردد، فرا روید. انقلابی که تحول بخش و نجات دهنده کل جامعه از سلطه سرمایه داری خواهد بود.

هواداران چریکهای فدائی خلق با بنر ها و پلاکارد ها خود و همچنین با شعار های : "پیروز باد مبارزات وقفه ناپذیر خلق های تحت ستم ایران"، "نان ، کار ، مسکن ، آزادی" و "نه سازش نه تسلیم نبرد تا رهائی" فعالانه در این حرکت شرکت داشتند. با توجه به گفتگوی رادیو همبستگی با رفیق اشرف دهقانی در روز شنبه ۱۵ اکتبر یعنی روز قبل از این آکسیون، از آنجا که خیلی از شرکت کنندگان این مصاحبه را شنیده بودند در گفتگوی با رفقا از پاسخ های رفیق حمایت کرده و سئوالاتی که داشتند را مطرح می کردند. این تظاهرات که در ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر شروع شده بود با شعار "اوین غرق خونه رژیم سرنگونه" در ساعت ۴ بعد از ظهر با موفقیت پایان یافت.

**جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران نابود باید گردد!
سازمان هواداران چریکهای فدائی خلق ایران در سوئد- استکهلم
۱۷ اکتبر ۲۰۲۲**

وین: گزارشی از تظاهرات حمایتی از مبارزات مردم

ایران - مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر!



در روز شنبه ۸ اکتبر ۲۰۲۲ در ساعت ۱۴ بعدازظهر یکبار دیگر تظاهرات بزرگی در همبستگی با خیزش مردم انقلابی ایران در وین در منطقه ۴ و در محل Karlsplatz برگزار شد.

در ابتدا سخنانی توسط فعالین سیاسی ایرانی، کرد و اتریشی در حمایت از انقلاب مردم ایران اظهار شد. آنها با محکوم کردن رژیم و جنایت هایش خواسته هایی را به صورت فرمول وار در مقابل دولتمداران اتریش قرار دادند که چند نمونه از این خواسته ها از این قرار بودند:

مصادره سود شرکت های اتریشی که با رژیم تجارت می کنند، پایان دادن به امتیازات دیپلماتیک و عدم همکاری با مقامات رژیم، علنی کردن ثروت ایجاد شده توسط میلیون ها کارگر در ایران، افشای هویت نمایندگان رژیم که از این اموال دزدیده شده سود می برند، تعطیل سفارتخانه ها و و بیرون کردن شبکه های این رژیم تروریستی، افشای تمام اسناد، توافقنامه ها و قراردادهای شرکت هایی که با رژیم روابط اقتصادی دارند و همچنین اطلاع رسانی در مورد اینکه کدام فعالان سیاسی تهدید می شوند.

در پایان این سخنرانی ها یکی از سخنرانان اظهار داشت که ما امپریالیست های آمریکا و اروپا را به شدت محکوم می کنیم چرا که آنها در گذشته از رژیم وحشی شاه حمایت میکردند و امروز ایران را تنها به عنوان منبع نفت و گاز ارزان می بینند. چین و روسیه بهتر از این نیستند، آنها مردم کشور خودشان را استثمار و سرکوب می کنند و دست در دست رژیم ایران کار می کنند. آنها خواستار ایجاد یک تشکل مستقل و انقلابی از طبقه کارگر و جوانان شدند تا پس از سقوط رژیم، نمایندگان و شرکت های غربی یا خاندان شاه، ثروت کشور را غصب نکنند.

در ساعت ۱۵ بعدازظهر و بعد از اتمام سخنرانی ها، جمعیت تظاهرکننده از محل تجمع خود به طرف سفارت ایران به راه افتاده و در مسیر خود به دادن شعارهای انقلابی از جمله "زنده باد همبستگی بین المللی"، "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و پرداختند. حرکت بسیار زیبا و انقلابی که در طول مسیر اتفاق افتاد پخش سرود آفتابکاران بود که جمعیت یکصدا به همراهی با آن پرداختند. در این میان حضور تعداد بیشمار پلیس که راههای رفتن به سفارت رژیم را بسته بودند برای همه ملموس بود.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران نیز با حمل پرچم سازمان در این حرکت شرکت کرده و پیام رفیق اشرف در رابطه با خیزش اخیر و همچنین صد ها اعلامیه سازمان در مورد شرایط کنونی در ایران را در میان جمعیت پخش کردند.

نکته قابل ذکر این است که همچنان که پیش بینی میشد تعداد کمی از نیروهای ارتجاعی مانند سلطنت طلبها که شامل چند نفر می شدند هم در این تظاهرات شرکت کرده و با دادن شعارهای مستهجن سعی در به انحراف کشاندن حرکت و ایجاد مزاحمت در میان جمعیت داشتند. چند نفر از میان تظاهرکنندگان به آنها به خاطر شعارهای بی محتوا و بی اساس اعتراض کردند و خواستند که یکپارچگی جمع را بهم نزنند.

جالب این جاست که همین افراد در طی مسیر شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" را همراه با جمع تکرار می کردند اما در پایان برنامه یک نفر از آنها شعار "روح شاد رضاشاه" را سر داد که در جواب چند نفر از ایرانیان با شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" مشت محکمی به دهان این یاوه گویند زدند به طوری که آنها به سرعت و با تعجب فراوان از آن مکان دور شدند.

تجمع امروز در ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر در مکان Schweizer Garten (باغ سوئیس) به پایان رسید. اما تعدادی از جمعیت در آنجا ماندند و به بحث و گفتگو پیرامون مسایل جاری ایران پرداختند. در تظاهرات امروز که از استقبال بی نظیر افشار مختلف جامعه اتریش برخوردار بود بیش از ۴۰۰۰ نفر شرکت داشتند. این تظاهرات به فراخوان و با پشتیبانی تعدادی از سازمانها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست و فمینیست (کرد) که نام آنها در زیر آمده برگزار شد:

International Socialist Alternative, Rosa, Sozialistische Feminist*innen AVESTA- Kurdische Frauen, Rise Up for Rojava, Komintern, Neue Frau- Yeni Kadin, FEYKOM- Rat der Kurdischen Gesellschaft in Österreich, Unterstützkomitee zur Integration von Migrantinnen, Verein zur Förderung der Freiheitsrechte und Demokratie im Iran(Wien)

و کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران - وین.

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران، نابود باید گردد!

زنده باد همبستگی بین المللی با مبارزات و جنبش انقلابی مردم ایران!

پیروز باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در وین- اتریش
۱۰/۱۰/۲۰۲۲

گزارشی از آکسیون ۲۴ سپتامبر در لندن



در حمایت از خیزش انقلابی توده های تحت ستم در ایران، بعد از ظهر امروز، شنبه، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲، یک آکسیون مبارزاتی در میدان "ترافلگار اسکوائر" لندن برگزار شد. در جریان این آکسیون که به فراخوان فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان سازمان یافت صدها اطلاعات به زبان انگلیسی در توضیح شرایط انقلابی و قیام توده ها در ایران پس از قتل ژنرال (مهسا)امینی در میان عابرین پخش شد. محل آکسیون که یکی از نقاط پر رفت و آمد لندن و یکی از مراکز توریستی ست با بنرها و تصاویر متعددی از جنایات جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان و زنان و جوانان ایران تزیین شده بود که توجه حاضران در محل را بر می انگیزت. شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "مرگ بر امپریالیسم، زنده باد مبارزات آزادیبخش خلقهای تحت ستم"، "اعدامها باید متوقف شوند" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و ... به زبانهای فارسی و انگلیسی بر روی بنرها به چشم می خورد.

فارسی و انگلیسی صورت گرفت. در سخنرانی انگلیسی، رفیق سخنران با توضیح وقایع مربوط به دستگیری ژینا امینی و قتل فجیع او به دست سرکوبگران رژیم تاکید کرد که این حادثه دردناک



چطور به انفجار خشم انباشته شده توده ها در شهرهای مختلف علیه موجودیت کل رژیم جمهوری اسلامی و زبانه کشیدن شعله های انقلابی منجر شد که هم اکنون در بیش از ۱۱۰ شهر ایران ادامه دارد. رفیق سخنران سپس به ضرورت حمایت مردم و افکار عمومی آزادیخواه در غرب و فشار آنها بر دولتهای خود برای قطع حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی اشاره و این خواست را مورد تاکید قرار داد. در سخنرانی به زبان فارسی نیز رفیق دیگری با تاکید بر مطالبات بر حق مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و یک انقلاب اجتماعی تاکید کرد که برگزار کنندگان این آکسیون حامی خواسته های انقلابی مردم بوده و صرفا برای جایگزینی جمهوری اسلامی با یک رژیم دیکتاتور دیگر تلاش نمی کنند و پژواک دهنده شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته" و همچنین "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" هستند.

در طول حرکت تعداد بسیار زیادی اطلاعات به زبان انگلیسی در توضیح روند جاری در ایران و شرایط انقلابی کنونی در بین جمعیت پخش شد. برخی از مردم با مراجعه به رفقای برگزار کننده تعدادی اعلامیه از آنها گرفته تا در محل کار و زندگی خود توزیع کنند و در رابطه با شرایط ایران به همکاران خود و مردم آگاهی دهند.

یکی از نکات برجسته این حرکت این واقعیت بود که این تظاهرات هم زمان شده بود با تجمع نیرو های مختلف در این محل که در چهارچوب تظاهرات حمایتی از خیزش توده ها برای ساعات مختلف فراخوان داده بودند. در مجموع چند هزار تن از ایرانیان در قسمتهای مختلف میدان تجمع کرده بودند که تجمع این تعداد از ایرانیان در طول ۴۳ سال اخیر بی سابقه بوده است.

**جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران
نابود باید گردد!**

**هر چه پر توانتر باد جنبش انقلابی
توده های تحت ستم ایران
برای نان، کار و آزادی، زنده باد انقلاب!**

**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران
۱ اکتبر ۲۰۲۲**

در جریان این آکسیون یکی از رفقا سخنرانی هایی به زبان انگلیسی ایراد نمود و در باره شرایط اقتصادی-سیاسی ایران و چهل و سه سال جنایات جمهوری اسلامی صحبت کرد و پس از توضیح چگونگی قتل دختر کرد، ژینا (مهسا) امینی که یک موج بزرگ از خیزش قهرمانانه مردمی را علیه کل نظام ظالمانه حاکم در پی آورد، از مبارزات جاری در جامعه گفت و از ضرورت حمایت مردم آزادیخواه در کشورهای دیگر از مبارزات حق طلبانه مردم ایران سخن گفت. سخنرانی این رفیق با تشویق جمعیت روبرو شد و شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" به زبان انگلیسی از سوی جمعیت تکرار شد.

در جریان این حرکت تعداد زیادی از جوانان و مردم سایر کشورها از اسپانیا، انگلیس، لبنان و ... با پیوستن به آکسیون و صحبت با رفقا همبستگی خود را با اهداف مردم ایران و بر پا کنندگان آکسیون اعلام می کردند. یکی از عابران که یک مرد انگلیسی بود ضمن اشاره به سلطنت طلبان که در گوشه ای دیگر تظاهراتی را ترتیب داده بودند گفت "همین ها و رژیمشان (شاه) بودند که شرایط آوردن رژیم اسلامی را بر ایران فراهم کردند و مبارزین واقعی را کشتند. مردم ایران برای یک انقلاب واقعی علیه شاه و اربابانش برخاستند، اما جمهوری اسلامی انقلاب مردم را در هم شکست".

یک دختر اسپانیایی نیز گفت "مادر من یک فعال سیاسی آگاه است و از ایران اطلاعات زیادی دارد که به من هم آگاهی داده است. ما میدانیم که این رژیم چه جنایاتی علیه مردم و بخصوص زنان مرتکب شده است. من مطمئنم که مردم ایران دیر یا زود با مبارزانشان به آزادی خواهند رسید من برای مبارزات جاری در ایران و برای شما در پشتیبانی از این مبارزات آرزوی موفقیت دارم" این جوان سپس از رفقا خواست که او را از حرکت های آینده و چگونگی حمایت از آن ها مطلع کنند.

این آکسیون حمایتی از ساعت یک بعداز ظهر آغاز و در ساعت ۳ با موفقیت پایان یافت.

**هر چه پر توان باد مبارزات سلحشوران
توده های به پا خاسته**

**برای سرنگونی جمهوری اسلامی!
جمهوری اسلامی، دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران،
نابود باید گردد!**

**فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن
۲ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲**

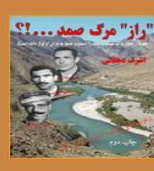
تظاهرات در لندن در حمایت از جنبش مردمی!

با فراخوان فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در لندن و سازمان دمکراتیک ضدامپریالیستی ایرانیان در انگلستان و همچنین سازمان زنان ۸ مارس در انگلستان بعداز ظهر روز شنبه اول اکتبر (۲۰۲۲)، تظاهراتی در میدان ترافلگار اسکوئر لندن برگزار شد.

این تظاهرات با استقبال شمار زیادی از شهروندان انگلیسی و غیر انگلیسی ای که در محل آکسیون حضور یافته بودند روبرو شد و آنها به اشکال مختلف از اهداف برگزار کنندگان این آکسیون حمایت کردند. این آکسیون همچنین با پشتیبانی تعدادی از نیروهای چپ کرد و ترک و فعالین حقوق زنان نیز مواجه گشت که با حضورشان همبستگی خود را با خیزش توده ها در ایران ابراز نمودند. در طول این آکسیون که از ساعت یک بعد از ظهر آغاز شده و تا ساعت سه و نیم ادامه یافت سخنرانی هایی به زبان

خوانندگان عزیز نشریه پیام فدایی!

به علت تراکم مطالب موجود، قسمت ۲۲ "گفتگو با رفیق فریبرز سجری درباره روزهای منتهی به قیام بهمن ۵۷ و تکوین تشکیلات چریکهای فدایی خلق ایران" و برخی مطالب دیگر در این شماره درج نشده اند. این مطالب در شماره های بعدی به نظر خوانندگان خواهد رسید!



گزارشی از تظاهرات ۱۵ اکتبر در لندن



امروز یکبار دیگر نیروهای چپ و آزادیخواه در میدان ترافلگار اسکوتر لندن یک تظاهرات حمایتی از جنبش انقلابی جاری مردم به پا خاسته ایران برگزار کردند. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان دمکراتیک ضد امپریالیستی ایران از زمره نیروهای فراخوان دهنده برای این تظاهرات بودند که با استقبال وسیع رهگذران و عابران انگلیسی و توریستهای کشورهای مختلف حاضر در محل قرار گرفت. یک زوج تایوانی با اعلام همبستگی با تظاهر کنندگان دشمن اصلی مردم ایران و تایوان را امپریالیستهای چین و روسیه و آمریکا و اروپا می دانستند و گفتند که خیزش مردم ایران را با حساسیت دنبال می کنند.

در جریان این تظاهرات رفقا چند سخنرانی به زبان انگلیسی در ارتباط با شرایط انقلابی جاری در ایران و دفاع از خواستهای برحق توده های به پا خاسته نظیر "نان، کار، مسکن، آزادی و استقلال" و ضرورت فشار افکار عمومی آزادیخواه بریتانیا بر سیاستمداران این کشور برای قطع حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی ایراد کردند. تظاهرکنندگان شعارهای زیادی به زبان های انگلیسی و فارسی سر می دادند که شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "زنده باد همبستگی بین المللی" از مهمترین آنها بودند.

در طول حرکت که از ساعت یک تا سه بعد از ظهر به طول انجامید صد ها اعلامیه به زبان انگلیسی در میان رهگذران پخش شد.

**جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، نوکر غارتگران،
نابود باید گردد!
زنده باد انقلاب! زنده باد آزادی!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در انگلستان
۱۵ اکتبر ۲۰۲۲**

گزارشی از یک تجمع اعتراضی در شهر کاسل



روز شنبه ۸ اکتبر، برابر با ۱۶ مهر ۱۴۰۱ یک تجمع اعتراضی در حمایت و پشتیبانی از مبارزات به حق مردم ایران در شهر کاسل آلمان برگزار گردید. در این تجمع که بیش از صد نفر حضور داشتند جدا از اهالی آلمانی ساکن کاسل، افرادی از ملیت های دیگر ساکن آلمان مانند فعالین سیاسی افغانستان و ترکیه هم شرکت داشتند. همچنین تعدادی از هواداران و فعالین طیف های گوناگون سیاسی هم در این حرکت حضور داشتند. مراسم در ابتدا با پخش سرود و خوش آمدگویی آغاز گردید، سپس شرکت کنندگان شعارهایی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سر دادند که در این میان شعار "زن، زندگی، آزادی" از طرف برگزارکنندگان این مراسم برجستگی داشت. پلاکاردها و همچنین عکس های جان باختگان اعتراضات اخیر مردم در دست شرکت کنندگان پخش گردید. بعد از خوش آمدگویی و خواندن سرود، افرادی که مایل به سخنرانی بودند یکی پس از دیگری به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و یا سرکوبگری های گوناگون این حکومت در تمام عرصه ها بویژه در طول مبارزات و اعتراضات اخیر مردم پرداختند و با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردیدند. یکی از نکات قابل توجه این مراسم سخنرانی یکی از فعالین چریک های فدایی خلق بود که در جهت حمایت و پشتیبانی مبارزات مردم و بخصوص مبارزات قهرمانانه زنان به سخنرانی پرداخت. وی در ادامه با اشاره به کنفرانس گوادلوپ یادآوری کرد که چگونه اربابان امپریالیست رژیم وابسته شاه ضمن توافق با دار و دسته خمینی این جماعت را برای سرکوب و از بین بردن انقلاب توده ها به قدرت رساندند. این سخنان با اعتراض و پرخاشگری یکی از سلطنت طلبان مواجه شد که دفاع از انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ مردم و محکوم کردن نقش قدرتهای امپریالیستی در جابجایی قدرت در ایران برایش ناخوشایند بود. برخوردهای خشمگینانه این فرد باعث نا تمام ماندن صحبت های سخنران گردید. در انتهای مراسم شرکت کنندگان به شعار دادن و خواندن سرود پرداختند.

**نابود باد دسیسه های امپریالیستها علیه مردم مبارز!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در آلمان- کاسل
۱۸ مهر ۱۴۰۱ - ۱۰ اکتبر ۲۰۲۲**

آدرس پست الکترونیک

E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان

Siahkal Fadayee

کانال تلگرام

@BazrhayeMandegar

اینستاگرام

BazrhayeMandegar2

برای تماس با

چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!